

نبرد خلق

مرگ بر رژیم خمینی
زنده باد صلح و آزادی

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان
سازمان چریک های فدایی خلق ایران

شماره ۱۲۱

دوره چهارم سال یازدهم - اول تیر ۱۳۷۴

صفحه ۱۲

خاطره رفیق کبیر
حمید اشرف گرامی باد



به مناسبت ۸ تیر شهادت رفیق
فدایی حمید اشرف و ۹ رزمنده
دیگر فدایی

* سوگند یاد می کنیم رفیقان ، به همان گونه
که شما لحظه ای ایمان خویش را به پیروزی
خلق از دست ندادید، مؤمن و وفادار به
آرمانهای کارگران و زحمتکشان خواهیم ماند
در صفحه ۷

دیدار مسعود رجوی با طارق عزیز
در صفحه ۱۲

جان زندانیان سیاسی در خطر است

در صفحه ۱۲

دیدگاه آمریکاییهای طرفدار
نزدیکی به رژیم ایران

صفحه ۲

آیا جام زهر دیگری در راه است
در صفحه ۹

همبستگی بین المللی با مقاومت ایران

* طی یک ماه گذشته، بیش از ۱۷۰۰ تن از نمایندگان مردم اروپا، آمریکا و کانادا، ضمن محکوم نمودن
رژیم آخوندی، حمایت خود را از مقاومت ایران اعلام کردند.
در صفحه ۱۲

گردهمایی دورتموند و سخنرانی رئیس جمهور برگزیده مقاومت

* روز جمعه ۲۶ خرداد ۱۳۷۴، هزاران ایرانی در اجتماع عظیم دورتموند شرکت
کردند. خانم مریم رجوی از طریق ماهواره برای شرکت کنندگان در این اجتماع
عظیم سخنرانی خود را تحت عنوان آزادی بیان نمود. و همچنین خانم مریم رجوی
به تشریح شورای ملی مقاومت، ارتش آزادیبخش و آزادی زنان پرداخت. در صفحه ۳

کنفرانس سران گروه ۷

کنفرانس سران گروه ۷
روز پنجشنبه ۲۵ خرداد ۷۴ کنفرانس سران ۷
کشور صنعتی جهان در شهر هالیفاکس در کانادا
آغاز به کار کرد. در این کنفرانس روسیه نیز به
عنوان ناظر شرکت داشت. در آستانه برگزاری
اجلاس سران هفت کشور صنعتی، آقای مسعود
رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران طی
تلگرافی از رهبران گروه هفت خواستار تحریم رژیم
ملایان شد. این کنفرانس در پایان کار خود مثل
اجلاس سالهای گذشته مبادرت به انتشار یک بیانیه
اقتصادی و یک بیانیه سیاسی نمود. خبرگزاری
فرانسه در تاریخ ۲۷ خرداد گزارشی از هالیفاکس
مخابره نمود. در گزارش خبرگزاری فرانسه آمده
است که: «در یک بیانیه سیاسی که به وسیله
نخست وزیر کانادا، جان کرتیان خوانده شد آمده است
که:

ما دولت ایران را دعوت به صرف نظر کردن از
حمایت گروههای رادیکال که سعی در نابودی روند
صلح خاورمیانه می کنند، می کنیم.

ما همچنین از دولت ایران می خواهیم تروریسم
را رد کرده و به طور خاص از حمایت خود از
تهدیدات دائمی علیه سلمان رشدی و کسانی که در
کار با وی شریکند دست بردارد. همچنین در
اطلاعیه از همه کشورها خواسته شده که از هرگونه
همکاری با ایران که بتواند این کشور را صاحب
سلاح اتمی کند، اجتناب ورزند» بیانیه سران ۷ کشور
بزرگ صنعتی به اضافه روسیه، اگر چه سبب واکنش
عجزآلود وزارت خارجه رژیم شد، اما از آنجا که
مسأله تحریم رژیم در این کنفرانس مورد تأیید
قرار نگرفت، سبب آن شد که رژیم به نوعی از نتایج
کنفرانس خود را راضی نشان دهد. رژیم در مقابل
مرگ به تب تن داد.

می توان راه حل ها را یافت
مماحبه ای با فیدل کاسترو

در صفحه ۸

اخبار فرهنگی

در صفحه ۳

برکتیه های غبار

در صفحه ۸

دیدگاه آمریکاییهای طرفدار نزدیکی به رژیم ایران

آسیای جنوبی در شورای امنیت ملی آمریکا در دولت کارتر و استادیار دانشگاه کلمبیا نیویورک را پخش نمود.

وی در سخنرانی خود گفت «من در بسیاری از موارد با نظرات خانم لکسون مقام ارشد کاخ سفید در امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی موافقم. وی افزود: بخشی از جنبه‌های رفتار ایران به راستی ناراحت‌کننده است ولی باید سعی کنیم آنها را تغییر دهیم. سیک گفت: کارنامه حقوق بشر ایران تأسف‌آور است، جایزه‌ای که توسط یک سازمان انقلابی ایران برای سر سلمان رشدی تعیین شده که در حکم تحریک به قتل است نضرت‌انگیز است. مخالفت ایران با جریان صلح مساله‌ساز است. و اگر این مخالفت به شکل پرداخت پول و دادن آموزش برای عملیات تروریستی باشد غیر قابل قبول خواهد بود. همین امر در مورد تامین بودجه عملیات تروریستی در کشورهای دیگر نیز صدق می‌کند. تقویت توانایی‌های نظامی ایران برای نیازهای مشروع آن کشور برای دفاع از خود که تهدیدی بالقوه متوجه همسایگانش کند هم بی‌ثبات کننده و هم ناسالم است. سیک همچنین گفت: نمی‌خواهد ایران به سلاحهای هسته‌ای یا دیگر سلاحهای امحای جمعی دست یابد. سیک معتقد است که در مورد این مسائل هم در واشنگتن و هم در دیگر پایتختهای جهان اتفاق نظر وجود دارد. اما سوال این است که بهترین راه تحقق این اهداف چیست؟ گری سیک اظهار داشت که در مورد چگونگی دستیابی به این اهداف با سیاستهای دولت آمریکا به شدت مخالف است. به گفته سیک تحریمهای اقتصادی همیشه مشکل‌ساز بوده‌اند. در مورد عراق تحریم‌ها کارساز بود، چرا که جامعه جهانی یک‌پارچه از آنها پیروی کرد. اما تحریمهای اقتصادی ایران یک جانبه کارساز نیست...

اگر چه این نوعی جنگ اقتصادی است ولی آمریکا مساله را در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح نکرد. زیرا واشنگتن می‌دانست که این موضع از حمایت هیچ کشوری برخوردار نخواهد شد... سیک گفت در واقع آمریکا طی چند سال گذشته لطمه زیادی بر ایران وارد کرده است. نفت همان‌طور که می‌دانید با دلار خرید و فروش می‌شود و کاهش ارزش برابری دلار آمریکا قدرت خرید ایران را به میزان قابل توجهی پایین آورده است. سیک در ادامه در نشست شورای سیاست خاورمیانه گفت: یکی از نقاط ضعف سیاست دولت آمریکا عدم تناسب است. ما در شرف اعصال تحریم‌هایی علیه ایران هستیم که به مراتب سنگین‌تر از تحریم‌هایی است که در اوج جنگ سرد علیه شوروی که تهدیدی واقعی نسبت به امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شد برقرار گردید. گری سیک که در دوران ریاست جمهوری کارتر از طراحان سیاست آمریکا در قبال ایران بود از اقدام ایران برای دستیابی به انرژی اتمی و تامین نیازهای برق کشور دفاع کرد و متذکر شد که پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی در صفحه ۵

در درجه اول و مهمتر از همه حمایت ایران از تروریسم به ویژه تروریسمی که جریان صلح خاورمیانه را متزلزل می‌سازد و تلاش ایران برای کسب سلاحهای امحای جمعی است. علاوه براین ما از اقدامات ایران برای خرابکاری در دولتهای دوست آمریکا در منطقه و کارنامه تأسف‌آور حقوق بشر آن کشور و تقویت بنیه نظامی ایران نگرانیم. این تصویر نظامی در صورت رسیدن به حداکثر ظرفیت خود می‌تواند برای امنیت کشورهای ساحلی خلیج فارس که دوست آمریکا هستند، تهدیدی بسیار جدی به وجود آورد. لکسون افزود: ... ما معتقدیم که دولت ایران فرصت این را دارد که رفتار خود را با ضوابط و معیارهای بین‌المللی تطبیق دهد. مقام امریکایی اظهار داشت که در سیاست واشنگتن در مورد علاقه به انجام گفت و شنود با تهران هیچ تغییری حاصل نشده است و آمریکا هنوز مایل است با نمایندگان مجاز و مختار دولت ایران به گفتگو بپردازد. خانم لکسون گفت به عقیده ما فشار و گفتگو می‌تواند در کنار هم صورت گیرد. این امری عادی است و طبق مقررات دیپلماتیک می‌توان هر دو را با هم به کار گرفت... وی صرفاً به دو مورد از نشانه‌های موفقیت تحریم اشاره کرد و گفت پس از اعلام تحریم از سوی کلیتون ارزش ریال ایران در ایام اخیر به شدت کاهش یافته است. همچنین به گفته وی دعوت اخیر رفسنجانی از خبرنگاران آمریکایی برای سفر به ایران و دادن توضیحات در باره موضوع ایران نشانه آن است که تهران، تحریم‌های آمریکا را جدی گرفته و از این رو سعی کرده است موضع خود را توجیه کند. وی تاکید کرد که تحریم جریانی مداوم است و برای حصول موفقیت به سخت‌کوشی چندجانبه‌ای نیاز دارد. سخت‌کوشی از این جهت که اطمینان حاصل شود که منع فروش تسلیحات محدودیت اعطای اعتبار و کمک از سوی مؤسسات مالی بین‌المللی و نوع همکاری با ایران در زمینه اتمی ادامه یابد. لکسون از میزان همکاری اکثر کشورهای صنعتی غرب با آمریکا در این زمینه‌ها ابراز خشنودی کرد و گفت ما امیدواریم که شاهد همکاریهای بیشتر آنها باشیم. به گفته این مقام آمریکایی مساله ایران در کنفرانس آینده سران ۷ کشور صنعتی غرب در ماه ژوئن مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و آمریکا با متحدین خود در مورد گزارشهای اطلاعاتی مربوط به برنامه‌های اتمی ایران و حمایت ایران از تروریسم بیشتر سپیم خواهد شد. لکسون گفت هدف از سپیم شدن بیشتر در گزارشهای اطلاعاتی این است که برخی کشورها اعلام داشته‌اند که برای تجدید نظر در سیاست خود در قبال ایران به مدارک و شواهد بیشتری در مورد فعالیت‌های تروریستی و اتمی ایران نیاز دارند و ما امیدواریم این اطلاعات که به عقیده ما بسیار مستدل و قانع‌کننده است بتواند آنها را در انجام این مهم یاری دهد».

رادیو آمریکا در برنامه روز ۵ خرداد/۷۴ خود اظهارات گری سیک مدیر امور خاور نزدیک و

مدتهاست که در آمریکا دو جریان اساسی در رابطه با رژیم ایران شکل گرفته است. یکی از این جریانها که عملاً توسط کمپانیهای نفتی - تسلیحاتی تقویت می‌شود، جریانی است که به انحاء مختلف خواستار نزدیکی با رژیم کنونی ایران است. اخیراً افراد شناخته شده این جریان همراه با بعضی ایرانیهایی که برای خود نقشی در پیوند دادن رژیم ایران و دولت آمریکا قائلند و یا واقعاً چنین مأموریت و نقشی را عملاً بعهده دارند، تلاش گسترده‌ای برای خنثی کردن سیاست فشار بر رژیم آخوندی و غیر جدی کردن تحریم اقتصادی رژیم را آغاز کرده‌اند. روز ۴ خرداد امسال، یک مؤسسه خصوصی آمریکایی به نام «شورای سیاست خاورمیانه» به ریاست جورج مک‌گاورن (سناتور سابق) یک سمینار در مورد روابط ایران و آمریکا تشکیل داد که در آن کسانی که خواستار نزدیکی با رژیم ایران هستند، سخنرانی نمودند. رادیو آمریکا در همین روز گزارشی از سخنرانیهای این کنفرانس پخش نمود. از نظر اهمیت تلاشی که در آمریکا به انحاء مختلف برای حفظ رژیم ارتجاعی و تروریستی آخوندی می‌شود و برای شناخت این تلاشها به درج گزارش رادیو آمریکا مبادرت می‌کنیم:

مهار تا تعقیب بی‌امان

«نخستین سخنران این اجلاس خانم هلن لکسون مدیر امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی در شورای امنیت ملی آمریکا بود. وی سخنرانی خود را با این جملات آغاز کرد که بدون شک ایران چالش عمده‌ای برای سیات خارجی دولت کلیتون بوده است. و به نظر من این نشست در زمان خوبی برگزار می‌شود. چرا که به ما فرصت می‌دهد تا به بررسی سیاست آمریکا در قبال ایران و تغییراتی که کلیتون حدود یک ماه پیش اعلام کرد بپردازیم. خانم لکسون گفت: همه ما اهمیت ایران را در خاورمیانه درک می‌کنیم و از پیش‌بینی‌های جامعه آن و فرهنگ غنی‌اش و همین‌طور روابط بسیار متلاطم این کشور با آمریکا در سالهای اخیر اطلاع داریم. به نظر من هیچ کس با این نظریه مخالفت نخواهد کرد که ۱۵ سال گذشته دوران دشواری در مناسبات ایران و آمریکا بوده است. اما نظر ما این است که وضعیتی که امروز در آن قرار داریم از شرایط منطقه و تلاشهای ما برای محافظت از منافع حیاتی‌مان در آن جا ناشی می‌شود. لکسون با این مقدمه کوتاه اظهار داشت که سخنرانی‌اش شامل سه بخش خواهد بود. شرح سیاست، علت صدور فرمان کلیتون در مورد منع تجارت با ایران و اقداماتی که در آینده در ارتباط با روابط با ایران صورت خواهد گرفت. وی گفت این امری مهم است که توجه شود طرز برخورد ما در اقدامات ایران متمرکز است و نه ماهیت رژیم و آن چه که خود را می‌نامد و نه ماهیت اسلامی آن بلکه اقدامات مشخصی که ما از سوی دولت ایران مشاهده کرده‌ایم. آن گاه مدیر امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی در شورای امنیت ملی آمریکا این اقدامات را چنین برشمرد.

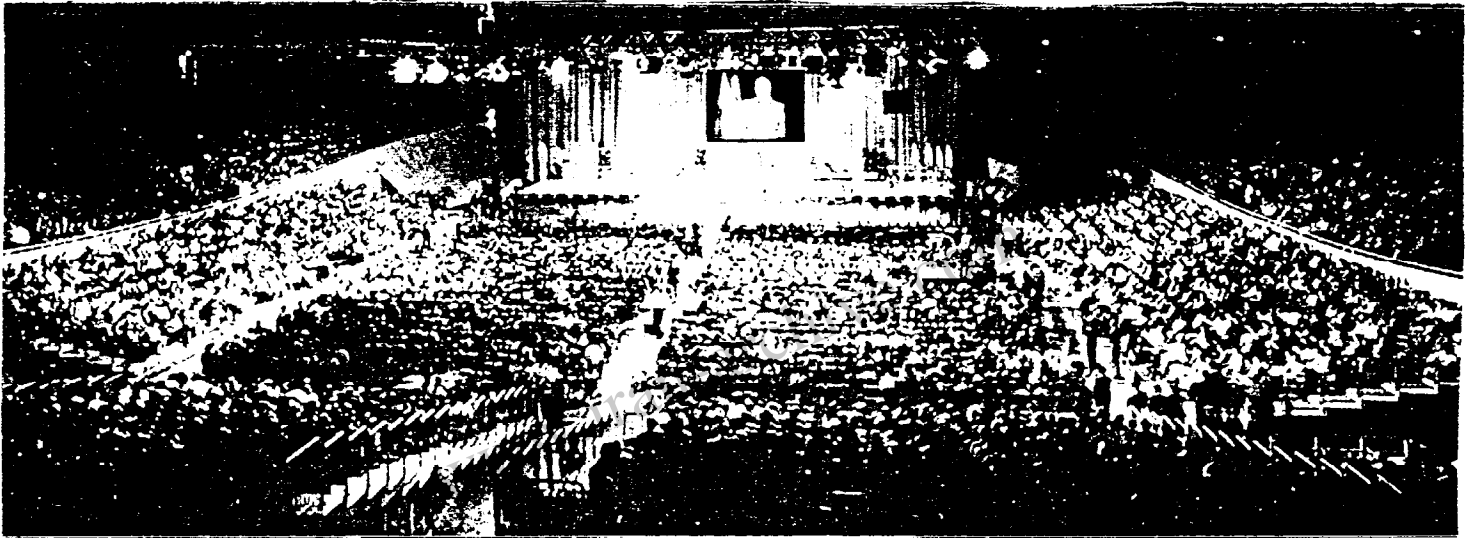
گردهمایی دورتموند و سخنرانی رئیس جمهور برگزیده مقاومت

۵- در ایران فردا همه ارگانهای سرکوبگر به جا مانده از رژیم خمینی و همه محاکم و دادگاههای فوقالعاده منحل می‌شود. اصل آزادی دفاع و حق فعالیت کانونهای وکلا و رسیدگی به جرایم در دادگاههای علنی، با حضور هیأت منصفه تأمین می‌گردد.

۶- در ایران فردا زنان از حقوق اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کاملاً مساوی با مردان برخوردارند که از جمله حقوق تصریح شده در زیر را شامل می‌شود:
- انتخاب کردن و انتخاب شدن در تمامی گزینشها و انتخابات و حق رای در تمام همه‌پرسیها.
- اشتغال و انتخاب آزادانه شغل و حق تصدی هر

به ویژه در مورد زنان پرداخت و با تشریح صفت‌بندی اساسی درون جامعه ما، یعنی صفت استبداد و آزادی، صفت ارتجاع و ترقی که خود را در تقابل تمام عیار رژیم خمینی و مقاومت ایران نشان می‌دهد، گفت: «ما آزاد کننده هیچ‌کس نیستیم، برای این که یک خلق آزادی خود را قدر بشناسد، نهایتاً بایستی خود، خویشتن را آزاد کند. پس ما آزادکننده نیستیم، ما راهبر و راهگشا و راهنمای طریق آزادی هستیم.» پس از آن خانم مریم رجوی به تشریح شورای ملی مقاومت، ارتش آزادیبخش ملی ایران و رهایی زنان پرداخت. و اضافه نمود که: «آغاز راه رهایی از هنگامی است که

روز جمعه ۲۶ خرداد ۱۳۷۴، هزاران ایرانی در اجتماع عظیم دورتموند شرکت کردند. قرار بود در این اجتماع عظیم، خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت تحت عنوان «آزادی» سخنرانی کند. اما دولت آلمان به فشار آخوندها تسلیم و سفر خانم رجوی به آلمان را لغو نمود. دولت آلمان قبلاً با سفر خانم رجوی و سخنرانی در وست‌فالن‌هان موافقت کرده بود. اما سرانجام تلاش‌های بی‌وقفه رژیم آخوندی، دولت آلمان را به یک تصمیم ضد دموکراتیک که تنفر و انزجار قاطبه ایرانیان و بخش مهمی از افکار عمومی مردم آلمان را برانگیخت مبادرت ورزید. با این حال گردهمایی دورتموند،



مقام و منصب و شغل عمومی و دولتی و قضاوت در تمام مراجع دادرسی

- فعالیت سیاسی و اجتماعی آزادانه، رفت و آمد و مسافرت بدون اجازه دیگری.

- آزادی کامل در گزینش همسر و ازدواج و حق مساوی طلاق و ممنوعیت تعدد زوجات .

- انتخاب آزادانه لباس و پوشش .

- استفاده بدون تبعیض از کلیه امکانات آموزشی، تحصیلی، ورزشی و هنری و حق شرکت در تمام

سابقات ورزشی و فعالیتهای هنری .

۷- در ایران فردا همه امتیازهای جنسی، قومی و عقیدتی لغو می‌شود و همه آحاد ملت از حقوق سیاسی و اجتماعی مساوی برخوردارند.

۸- در ایران فردا هرگونه تبعیض در مورد پیروان ادیان و مذاهب مختلف در برخورداری از حقوق فردی و اجتماعی ممنوع است و هیچ یک از شهروندان به دلیل اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک

دین یا مذهب، در امر انتخاب شدن، انتخاب کردن، استخدام، تحصیل، قضاوت و دیگر حقوق فردی و اجتماعی مزیت یا محرومیتی نخواهد داشت و صلاحیت مقامهای قضایی ناشی از موقعیت مذهبی

و عقیدتی آنان نخواهد بود. در صفحه ۶

باور کنیم هیچ کس نمی‌تواند مانع رهایی زن بشود که اراده کرده است آزاد زندگی کند، آزاد از تمامی قیدوبندهایی که به خوبی آن را می‌شناسیم.»
رئیس‌جمهور دوران انتقال در پایان سخنان خود مواد زیر را به عنوان مبانی ایران دموکراتیک فردا اعلام نمود.

۱- در ایران فردا، عقیده و بیان و قلم و مطبوعات کاملاً آزاد و هرگونه سانسور و تفتیش عقاید ممنوع است.

۲- در ایران فردا، احزاب، اجتماعات و جمعیت‌های سیاسی و اتحادیه‌ها، انجمنها، شوراهای و سندیکاهای مختلف - جز دستجات وفادار به دیکتاتوری شاه و خمینی- کاملاً آزادند و این آزادی تا مرز قیام مسلحانه علیه نظام مشروع و قانونی کشور، هیچ محدودیتی اصولی ندارد.

۳- در ایران فردا، انتخاب و آرای عمومی، اساس مشروعیت نظام کشور است و هیچ قانونی که ناشی از مرجع قانونگذاری منتخب کشور نباشد، رسمیت و اعتبار ندارد.

۴- در ایران فردا، امنیت قضایی و شغلی تمام آحاد مردم و حقوق فردی و اجتماعی مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر تضمین می‌شود.

در گرامی‌داشت روز ۳۰ خرداد ، طبق برنامه قبلی برگزار و بیش از ده‌هزار نفر از ایرانیان و شمار کثیری مهبان غیر ایرانی و بیش از ۵۰ خبرنگار و گزارشگر از رسانه‌های خبری مهم جهان در این اجتماع عظیم شرکت کردند. این برنامه توسط ماهواره برای ایران و قرارگاههای ارتش آزادیبخش ملی ایران پخش می‌گردید. مدت کمی پس از شروع برنامه، اعلام شد که خانم مریم رجوی از طریق ماهواره برای شرکت‌کنندگان در این اجتماع عظیم سخنرانی خواهند کرد و چند دقیقه بعد در میان استقبال پرشور شرکت‌کنندگان رئیس‌جمهور دوران انتقال، سخنرانی خود را تحت عنوان آزادی آغاز نمود. خانم رجوی پس از بیان مقدمه کوتاهی پیرامون مبارزه و مقاومت مردم ایران و گرامی‌داشت روز ۳۰ خرداد ، به تشریح دیدگاه خود پیرامون آزادی پرداخت و گفت: «بله، عشق به آزادی، راز درونی این مقاومت است. و من امروز آمده‌ام که این راز را برای شما بازگو کنم. از کجا شروع کنم بهتر است؟ فکر می‌کنم خوب است از نقطه مقابل آن یعنی رژیم خمینی و حکومت استبداد مذهبی آن شروع کنیم.» سپس خانم مریم رجوی به تشریح سیاستهای ارتجاعی و ضد دموکراتیک رژیم آخوندها

اخبار و رویدادها

* کیهان اول خرداد اسماش نوشت که ۱۲۰ مغازه در چندین محله تهران به خاطر عدم «رعایت مقررات و معیارهای اسلامی» بسته شدند. جرم این مغازه‌ها بر طبق نوشته کیهان «لباسهایی که دارای طرحهای غیر منطبق با معیارهای اسلامی» بوده است.

* چین اعلام نمود که محل برگزاری سازمانهای غیر دولتی زنان در کنفرانس پکن را به رغم درخواست و فشارهای بین‌المللی از ناحیه دور از پکن، به پکن که محل اصلی کنفرانس زنان است منتقل نخواهد کرد.

* نشریه پیام دانشجوی بسیجی تحت فشار دانشجویان وابسته به دفتر تحکیم وحدت مجبور شد، کلمه بسیجی را از نام خود حذف کند. دفتر این نشریه در روز ۲۱ خرداد مورد تهاجم نیروهای سرکوبگر حزب‌اللهی قرار گرفت و کاملاً ویران شد.

* شیخ علی تهرانی که چندین سال قبل از آتش‌بس در جنگ ایران و عراق به کشور عراق پناهنده شده بود، در روز ۱۰ خرداد ۷۴ خود را در یکی از پایگاههای مرزی، تحویل نیروهای رژیم داد.

* روزنامه سلام در شماره روز ۶ خرداد اسماش نوشت: «توسعه روابط با کشورهای نظیر روسیه، فرانسه، هند و عراق، در کنار تداوم همکاری با کشورهای نظیر پاکستان، سوریه و لیبی از لوازم تامین امنیت خارجی و منافع ملی کشور است».

* دیوان عالی قانون اساسی افریقای جنوبی در روز ۱۶ خرداد اسماش با صدور حکمی قانون اعدام در این کشور را ملغی اعلام داشت. (رادپو فرانسه ۷۴/۳/۱۶)

* با شروع تحریم تجاری رژیم از طرف امریکا، شرکتهای جنرال‌الکتریک، بوش، کاترپیلار، آبی‌ام و... دفاتر خود را در تهران بسته‌اند. (رادپو بی‌بی‌سی ۱۷/۳/۷۴)

روزنامه‌الثوره ۷۴/۲/۲۸: «تعدادی از احزاب اردنی از رژیم ایران خواستار شدند که زندانیان سیاسی را که در سیاهچالهای ایران بسر می‌برند آزاد کند. احزاب جبهه عربی آزادیخواه اردن، دموکرات سوسیالیست، کمونیست، اتحاد خلق، دموکرات خلق، جبهه کار ناسیونالیستی، بعث عربی سوسیالیست در اعلامیه‌ای مشترک که دیروز منتشر ساختند از نیروهای سیاسی پیشرو، سازمانهای بین‌المللی، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و سازمان عفو بین‌الملل خواستار اقدام فوری برای نجات جان زندانیان سیاسی در ایران شدند. این اعلامیه هم چنین خواستار پایان دادن فوری به اعدام زندانیان سیاسی در ایران توسط رژیم ایران گردید».

از انتشارات سازمان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، آلمان مبادرت به چاپ دو کتاب از رفیق بیژن جزینی و کتاب رفیق امیر پرویز پویان نموده است.

- ۱- تاریخ ۳۰ ساله
 - ۲- چگونه مبارزه مسلحانه توده‌ای می‌شود
 - ۳- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تنوری بقاء
- برای دریافت کتابهای بالا، قیمت کتاب همراه با ۱۰ درصد اضافه برای پست آن را به آدرس نبردخلق در پاریس ارسال کنید تا در اسرع وقت کتابهای درخواستی برایتان فرستاده شود.



ترور اعضای کومله را محکوم می‌کنیم

رادپو صدای انقلاب ایران وابسته به بخش کردستان حزب کمونیست ایران (کومله) در برنامه روز ۱۴ خرداد ۷۴ خود اعلام نمود که در ساعت ۱۰ صبح جمعه ۱۲ خرداد چند مزدور جنایتکار جمهوری اسلامی در داخل شهر سلیمانیه در کردستان عراق، دو تن از فعالین کومله را ترور کردند. این رادپو اسامی کادرهای کومله که به دست جنایتکاران رژیم آخوندی ترور شدند را عثمان فرمان و عثمان کریمی اعلام کرد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، ضمن محکوم نمودن این اقدام تروریستی شهادت دو تن از فعالین کومله را به خانواده و دوستان آنان تسلیت می‌گوید.

اخبار فرهنگی

فیلمهای ایرانی در جشنواره کن

جشنواره سینمایی کن از ۱۷ تا ۲۸ مه بر طبق روال همیشگی برگزار شد. در این جشنواره فیلم «سلام سینما» و «نوبت عاشقی» ساخته محسن مخملباف و فیلم «یادبادک سفید» ساخته جعفر پناهی در بخش نگاهی دیگر نمایش داده شد و مورد استقبال منتقدان سینما و سینما دوستان قرار گرفت. فیلم سلام سینما در چندین سینمای پاریس به نمایش درآمد و قرار است فیلم نوبت عاشقی نیز در پائیز اسماش در پاریس در چندین سینما نمایش داده شود. در این جشنواره هم چنین جایزه «دوربین طلایی» به فیلم یادبادک سفید ساخته جعفر پناهی تعلق گرفت. این فیلم با استقبال گسترده رسانه‌های خبری و منتقدان سینما قرار گرفت و چندین کشور پیشنهاد خرید و پخش آن را ارائه دادند و سرانجام یک شرکت امریکایی توزیع فیلم به نام «اکتبرفیلم» با خرید این فیلم، پخش آن را در آمریکا به عهده گرفت. تماشای سه فیلم یادکنک سفید، سلام سینما و نوبت عاشقی را به خوانندگان نبردخلق توصیه می‌کنیم.

رادپو امریکا (بخش کردی) ۷۴/۲/۲۴: «گروه کامکار یکی از معروفترین گروههای هنری کردی می‌باشد و از ۷ برادر و یک خواهر تشکیل شده است. رادپو امریکا مصاحبه‌ای با تعدادی از آنها تشکیل داد. آنها گفتند که یک تور وسیع در اروپا دارند. اول ژوئن از لندن به تهران برمی‌گردیم و در تهران هم ۵ کنسرت مختلف خواهیم داشت. خبرنگار رادپو امریکا از خواهر این گروه پرسید شما چرا فقط نوازنده هستید و چرا نمی‌خوانید؟ او در جواب گفت: «متأسفانه در ایران صدای زنان ممنوع است» گوینده رادپو امریکا گفت: «انشاءالله پس از این رژیم، صدای شما را هم خواهیم شنید چون کسانی که روی کار می‌آیند خودشان سراج کنسرت هستند». او هم در جواب گفت انشاءالله».

رادپو فرانسه ۷۴/۲/۲۹: «گیتی پاشایی مشهور به گیتی، خواننده مشهور ایران در اواخر دهه چهل که سالها در آلمان زندگی می‌کرد، به علت ابتلا به بیماری سرطان هفته گذشته درگذشت. وی خواننده ترانه مشهور جان مریم بود».

دیدگاه آمریکاییهای طرفدار نزدیکی به رژیم ایران

از صفحه ۲

برنامه روز ۱۲ خرداد امسال طی یک گفتار سیاسی رسمی، مواضع دولت کلینتون پیرامون رابطه با رژیم ایران را تشریح کرد. رادیو آمریکا می‌گوید: «کلینتون از نخستین روز زمامداری خود، خاورمیانه را در صدر اولویتهای سیاست خارجی خود قرار داد. وی از این جهت دست به چنین گزینشی زد که متوجه بود که با پایان گرفتن جنگ سرد و نتایج جنگ خلیج فارس به منظور کمک به ساکنان منطقه خاورمیانه برای حرکت به سوی دوران پر از صلح و صفا و ثبات، فرصت منحصر به فردی فراهم آمده است. منطقه خاورمیانه چالشهای بسیاری را عرضه می‌کند. همان طور که کلینتون گفته این منطقه در مبارزه‌ای که میان ستم و آزادی، وحدت و امنیت، تعصب و تأمل و مدارا، انزوا و گشودگی در گرفته، گرفتار آمده. از یک سو نیروهای ترور و وحشت و افراطگرایی قرار گرفته است که خود را در جامعه و زبان مذهب و ناسیونالیسم می‌پوشاند و از یاس و ناامیدی و فقر تغذیه می‌کند. از سوی دیگر نیروهایی هستند که برای استقرار صلح تلاش می‌کنند و راه سازندگی و نه تخریب، راه فردا و نه دیروز را در پیش گرفته‌اند. پیشرفت به سوی صلح، منافع دیرینه آمریکا را در خاورمیانه تقویت و تحسین می‌کند. از جمله این منافع باید از تعهد استوار و تزلزل‌ناپذیر آمریکا نسبت به حفظ امنیت و رفاه اسرائیل نام برد. از دیگر منافع آمریکا منافعی است که مشتمل بر ساختن و حفظ ترتیبات امنیتی به نحوی که متضمن ثبات در ناحیه خلیج فارس و دسترسی بازرگانی بی‌مانع و رادع به ذخایر حیاتی نفت باشد. دولت آمریکا با پدیده گسترش سلاحهای امحاء جمعی و دستگاهها و سیستم انتقال آنها سر مخالفت دارد و با تروریزم ضدیت می‌ورزد و به مبارزه برمی‌خیزد. علاوه بر آن دولت آمریکا در راه تشویق، اشاعه و ترویج نظامهای سیاسی و اقتصادی بازر و احترام به حقوق و شئون انسانی و حکومت قانون گام برمی‌دارد»

از سر درماندگی

آخوندها این روزها برای نجات از بحرانی که دامگیرشان شده است، به هر دری می‌زنند. سعی می‌کنند عوامفریبی کنند و نشان دهند که گویا در عرصه بین‌المللی «تروریست»، «توسعه‌طلب»، «جنگ‌طلب» و... نیستند. اما هر روز دم خروس این جا و آن جا از جیب رژیم بیرون می‌زند. در خرداد ماه امسال، ولادیمیر ژرینفسکی که رهبری یک گروه فاشیستی و راست افراطی را در روسیه به عهده دارد، همراه با یک هیئت که اکثر آنان از گروه فاشیستی ژرینفسکی بودند، سفری به تهران نمودند. در این سفر ژرینفسکی با رفسنجانی، ولایتی و ناطق نوری دیدار کرد. خوانندگان ما مسلماً با دیدگاههای ژرینفسکی که قبلاً در نبرد خلق چاپ شده آشنایی دارند و می‌دانند که ژرینفسکی تا چه حد مورد تضرع مردم جهان و به ویژه مردم کشورهای جنوب روسیه است. ژرینفسکی و حزب او خواستار تسلط بر کشورهای جنوب روسیه و منجمله ایران و دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس و دریای عمان است. او خواستار درگیر نمودن این کشورها به جنگ خانگی و توسعه امپراطوری روسیه است.

اگر چه من به شخصه از معدود آمریکاییانی هستم که اجازه سفر به آن کشور را به من نمی‌دهند، ولی کسانی که من به عقیده آنها احترام می‌گذارم و دائماً به ایران سفر می‌کنند، میزان حمایت عمومی از رژیم را بین ۱/۵ تا ۱۵ درصد جمعیت ایران برآورد می‌کنند. به گفته کاتن مقدار اندکی این میزان حمایت برای رژیم بسیار خطرناک است. و این احتمال را نباید منتفی دانست که قیام خودجوشی علیه شرایط سخت اقتصادی در ایران صورت پذیرد. کاتن آن گاه نظر خود را در باره آنچه شکست عمده رژیم ایران خواند چنین ابراز داشت: به عقیده من احتمالاً شکست عمده رژیم تصور آن در به خدمت گرفتن بخش قابل ملاحظه‌ای از روشنفکران بوده است. تصویری که من برای شما ترسیم می‌کنم، تصویر انقلابی است که سرزندگی و حیات خود را از دست داده است. این انقلاب فاقد نشاط و سرزندگی است. این انقلاب اکنون برای بقاء خود تقلا می‌کند. به عقیده من رفسنجانی فرد واقع‌بینی است که بسیار به آشتی علاقه دارد و من فکر می‌کنم اگر او آزادی عمل داشته باشد، در جهت یک پارچه ساختن مردم بسیار فعالیت خواهد کرد. کاتن معتقد است که اکثریت ایرانیان به شدت ملی‌گرا هستند و علاقه چندانی به پیگیری یک سیاست فعال خارجی نظیر آنچه دولت فعلی در پیش گرفته ندارند. برای این طبقه از ایرانیان، سرنوشت سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی بسیار مهمتر از مسائل جهانی از قبیل جریان صلح خاورمیانه و روابط اعراب و اسرائیل است. کاتن می‌افزاید: «این گروه از ایرانیان به شدت علاقمند به آشتی و داشتن رابطه نزدیک با آمریکا هستند، آرزوی بازگشت به نظام بین‌المللی را دارند و نمی‌خواهند کشورشان یک کشور مطرود باشند. آنها می‌خواهند با کشورهای دیگر داد و ستد کنند و رابطه داشته باشند و در رفاه زندگی کنند. به عقیده کاتن این دسته از ایرانیان که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، عمیقاً از خصومت آمریکا مایوس و دلخور هستند و آن را گنجه کننده می‌دانند. ریچارد کاتن در پایان سخنانش چنین نتیجه‌گیری کرد که آمریکا نیات ایران را سوء تعبیر کرده است و جدی‌تر از آن این که واشنگتن از روند بنیادی جامعه ایران که بیشتر آن برای سیاست آمریکا مطلوب است تعبیر اشتباهی داشته است. در واقع به گفته کاتن آمریکا دست به اقداماتی زده است که این روند را معکوس سازد. وی هشدار می‌دهد بدترین سناریوی ممکن این است که آمریکا آنقدر طبقه ملی‌گرای ایران را به خشم آورد که آنها به اندازه ملی‌گرایان دوران شاه، با آمریکا از سر مخالفت درآیند. کاتن همچون گری سیک کارشناس آمریکایی معتقد است که باید از سطح لفاظی دوطرف کاسته شود. وی می‌گوید گفت و شنود میان ایران و آمریکا در شرایط فعلی به دو طرف بسیار نسبت به سوءظن دارند و تعبیر اشتباهی از مواضع هم دارند، ثمربخش نخواهد بود. وی خواستار آن است که آمریکا اجازه دهد جریانات کنونی در ایران در مسیر طبیعی خود که معالاً تغییراتی را موجب خواهد شد، ادامه یابد.» رادیو آمریکا در

هسته‌ای را مجاز می‌سازد. با این حال سیک چند پیشنهاد برای رفع نگرانی‌های واشنگتن از دستیابی ایران به سلاحهای هسته‌ای مطرح کرد. وی گفت تهران را باید متقاعد ساخت که از کسب تکنولوژی غنی‌کردن اورانیوم که می‌تواند آن کشور را در ساختن بمب اتمی کمک کند، منصرف شود. دوم آن که مقررات سفت و سخت‌تری در مورد انتقال سیستمهای موشکی که می‌تواند سلاحهای اتمی را حمل کنند وضع گردد. توصیه سوم گری سیک این بود که آموزش متخصصین ایرانی صرفاً به چگونگی کارکردن با راکتورها محدود شود. سیک هم چنین خواستار آن شد که سازمان بین‌المللی انرژی اتمی بازدیدهای مکرر و سرزده‌ای از تأسیسات اتمی ایران به عمل آورد و ایران بر فضولات اتمی راکتورها، هیچ کنترلی نداشته باشد. سیک در پایان سخنرانی خود خواستار آن شد که از دامنه لفاظی از جانب هر دو دولت کاسته شود، متحدان آمریکا را در این سیاست درگیر کرد و سرانجام این که اگر آمریکا پیشرفتی در رفتار ایران مشاهده کرد باید آن را مورد ستایش قرار دهد». اینها سخنان گری سیک بود که از برنامه رادیو آمریکا در روز ۵ خرداد ۷۴ پخش شد. گری سیک با دقت تمام می‌کوشد تا هرچه ممکن است با اما و اگر و شاید و باید، رژیم ایران را از زیر ضرب خارج کند. دفاع گری سیک از طرحهای اتمی بخصوص جالب است. گری سیک و کمپانیهای نفتی - تسلیحاتی با بیپرده مصرف شدن پول ایران سود بسیاری خواهند برد. اما مردم ایران مسلماً از انرژی اتمی و سلاح اتمی زیانهای بسیاری خواهند دید. یکی دیگر از سخنرانان جلسه «شورای سیاست خاورمیانه» ریچارد کاتن بود. رادیو آمریکا در برنامه روز ۶ خرداد ۷۴ بخشی از سخنان ریچارد کاتن را پخش کرد. ریچارد کاتن استاد علوم سیاسی در دانشگاه پیکفرد از جمله آمریکاییهایی است که مدافع نزدیکی با رژیم ایران است، بنا به گفته رادیو آمریکا ریچارد کاتن با اشاره به تظاهرات مردم ایران در آستانه انقلاب می‌گوید: «این جمعیت کثیر بدون هراس از حمله هلیکوپترهای نظامی دست به تظاهرات زدند و ۲ ماه پس از آن انقلاب ایران به ثمر رسید. اما چند روز پس از پیروزی انقلاب بود که نشانه‌هایی از هم گسیختن آن ظاهر شد. عناصر لیبرال که نقش مهمی در هدایت انقلاب ایفا کردند یا از اردوی انقلابیون خارج شدند و یا مورد تصفیه قرار گرفتند. دکتر کاتن با اشاره به این رویداد اظهار داشت که پدیده‌ای که ما کمتر به آن توجه کردیم این است که در هر نقطه که اسلام تندرو ظاهر می‌شود، جریان دوقطبی شدن جامعه پدیدار می‌شود. در این جریان دو دسته از مردم ابتدا نسبت به یکدیگر بی‌علاقه می‌شوند، اما دیری نمی‌گذرد که شدت تضرع آنها از یکدیگر به حدی می‌رسد که تقریباً خطر نژادبرافکنی را به همراه دارد. کاتن می‌گوید جهان خارج باید سعی کند که میان این دو گروه نوعی آشتی به وجود آورد و می‌افزاید که سیاست آمریکا در قبال الجزایر تا حدودی در این مسیر دنبال شده است...»

گردهمایی دورتموند و سخنرانی رئیس جمهور برگزیده مقاومت

از صفحه ۳

۹- هرگونه آموزش اجباری مذهبی و عقیدتی و اجبار به انجام یا ترک آداب و سنتهای مذهبی ممنوع است و حق آموزش، تبلیغ و برگزرای آزادانه آداب و سنتهای تمامی ادیان و مذاهب و احترام و امنیت همه اماکن متعلق به آنها تضمین می‌شود.

۱۰- در ایران فردا، برای تقویت و تامین هرچه بیشتر حاکمیت ملی و مردمی و تمامیت ارضی و یکپارچگی و وحدت ملی کشور، حقوق عادلانه خودمختاری مردم کردستان ایران بر طبق طرح شورای ملی مقاومت به رسمیت شناخته می‌شود.

۱۱- در ایران فردا، ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و تنوعات ملی و وطنمان اعم از کرد و بلوچ و عرب و ترکمن و... رفع خواهد شد و جمیع حقوق و آزادیهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور تامین خواهد گردید.

۱۲- در ایران فردا، که کارگران و دهقانان و انبوه زحمتکشان شهر و روستا موتور محرک پیشرفت و سازندگی و آبادانی آن هستند، کلیه قوانین و مقررات ضد کارگری و ضد دهقانی و کلیه دیون دهقانان و کارگران به رژیم خمینی لغو می‌شود و قوانین جدید با مشارکت خود آنها، که صاحبان واقعی دسترنجشان هستند به تصویب می‌رسد.

۱۳- در ایران فردا، از همه متخصصان و اندیشمندان و هنرمندان ملی و میهن‌پرست، در هر کجای جهان که هستند، برای شرکت در سازندگی، آبادانی، پیشرفت و استقلال کشور و خدمت به رفاه مردم استقبال خواهد شد و به اندیشه و تخصص و تلاش آنها به عنوان ارزشمندترین سرمایه‌های انسانی و ملی ارج گذاشته می‌شود.

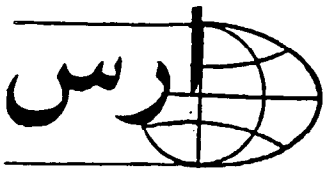
۱۴- در ایران فردا، بازار و سرمایه‌داری ملی، مالکیت شخصی و خصوصی، و سرمایه‌گذاری در جهت توسعه اقتصاد ملی و رشد تولید تضمین خواهد گردید.

۱۵- در ایران فردا تامین نیازمندیهای ضروری زندگی از قبیل معیشت و مسکن و بهداشت و تحصیلات برای محرومان و اقشار کم‌درآمد جامعه شامل کارگران، کشاورزان و کارمندان، به خصوص معلمان و دبیران و بازنشستگان، در اولویت قرار خواهد گرفت.

۱۶- ایران فردا، مناسبات بین‌المللی و روابط خود با سایر کشورها را براساس استقلال، برابری و حفاظت از منافع و آب و خاک ملی تنظیم خواهد کرد، از دخالت در امور سایرین خودداری و دخالت دیگران در امور داخلی کشورمان ممانعت خواهد نمود و مدافع صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

متن کامل سخنان خانم مریم رجوی در شماره ۵۵ هفته‌نامه ایران زمین چاپ شده است.

آقایان جداً بی‌تعارف



نقل از ارس - خبرنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - کمیته امریکا و کانادا شماره ۱۴ - ۴ خرداد ۱۳۷۴

موضع برتر سیاسی در میان متحدان خود از موقعیت ویژه و ممتازی برخوردار بوده است. علی‌رغم فعالیت‌های متعدد مقاومت ایران جهت شناسایی این رژیم بنیادگرا در انظار جهانیان : که با این رژیم به هیچ روی نمی‌توان طرف معامله شد هرچند که جذابیت‌های اقتصادی کوتاه مدت آن هوش از سر دولتمردان غربی برباید، که این رژیم به این دوران از تاریخ تمدن بشری تعلق ندارد و فجایعی که شبانه‌روز بر سر مردم ایران می‌گذرد، در صورت قدرت‌گیری این رژیم و عدم مقابله با آن گریبان‌گیر همه خواهد شد، که این رژیم را آنان که با آن پنجه در پنجه و مسلحانه می‌جنگند، بهتر از دیگران می‌شناسند، متأسفانه بنا بر دلایلی که ذکر شد یعنی منافع کوتاه مدت اقتصادی و احیاناً سیاسی، رابطه امریکا گاه به فرستادن کیک و کلت و انجیل در جریان اقتضاح «ایران کنتررا» در دوران ریگان منجر شد و یا به تهدید و انزوا و حرکتی در جهت تحریم اقتصادی و تسلیحاتی این رژیم ختم گردید. سازمان ما در طول سالیان دراز هم زبان با دیگر نیروهای متشکل در شورای ملی مقاومت خواستار تحریم اقتصادی و تسلیحاتی این رژیم خونخوار بوده است و حساب رژیم را از حساب ایران و ایرانی جدا دانسته و می‌دانند. در یک نمای کلی آشکار شده است که عقربه، شاخک و معیار منافع مردم در تضاد کامل با منافع رژیم قرار دارد. هر آن گاه که رژیم از چیزی و موضوعی بوی فشار، سقوط و سرنگونی احساس می‌کند، باید دانست که منافع مردم ایران دقیقاً در همان جهت است. اگر به قول زعمای قوم به اصطلاح اپوزیسیون، این تحریم به نفع رژیم می‌بود، رژیم از آن استقبال می‌کرد. اگر در جریان درخواست تحریم اقتصادی از جانب امریکا، رژیم وحشت‌زده نمی‌شد، عمالش مثل کرم در «لابی‌ها» و راهروهای هر دو مجلس امریکا در واشنگتن نمی‌لولیدند و از نمایندگان و سناتورهای امریکایی درخواست دیدار و گفتگو نمی‌کردند، اگر رژیم درخواست تحریم را چون کابوسی برای خود نمی‌دید، به دست و دامن دول اروپایی برای خشی سازی اقدام امریکا نمی‌افتاد. بنابراین علی‌رغم فشار موقت بر مردم که در هر صورت با ادامه حکومت این جانیان وجود خواهد داشت و پیوسته افزایش خواهد یافت، ما از هر عاملی که باعث تضعیف این دستگاه جنایت‌پیشه قرون وسطایی، از هر سو و هر جانب که باشد استقبال می‌کنیم. چرا که می‌دانیم برنده اول هرگونه تغییر و تحول، مردم و مقاومت مسلحانه خواهند بود. تکرار می‌کنیم که البته ما از تضعیف این رژیم خوشحال خواهیم شد و خوشحالی بزرگتر ما و مردم ایران روزی خواهد بود که تعفن ناشی از وجود رژیم جمهوری اسلامی از طریق سرنگونی قهرآمیز از چهره ایران به تمامی شسته شود. به امید آن روز.

سعید کیوان

«بر سر سفره سور، در دیس بزرگ بدل چینی، خنجری کج نهاده‌اند... غلامان میهمانان را از میناهای عتیق زهر در جام می‌کنند. لبخندشان لاله و تزویر است. انعام را به طلب، دامن فراز کرده‌اند، که مرگ آسان تقدیم می‌کنند.»
(احمد شاملو - شعر ضیافت)

در هفته‌های اخیر بنا بر فرمان رئیس‌جمهور امریکا، تمامی روابط اقتصادی و تجاری کمپانیا و شرکت‌های امریکایی با رژیم جمهوری اسلامی ایران فسخ گردید. متعاقب آن بیل‌کلینتون درخواست تحریم اقتصادی ایران را مطرح و از متحدان اروپایی خود خواست که برای جلوگیری از گسترش تروریسم در منطقه و جهان و بازداشتن ایران از دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای از این فراخوان حمایت کنند. در پاسخ به این موضع‌گیری، کنگره امریکا و رهبران نمایندگان اکثریت کنگره این کشور خواستار اقدامات شدیدتری علیه دیکتاتوری مذهبی حاکم در ایران گشتند.

از سوی دیگر در آشفته‌بازار به اصطلاح اپوزیسیون ایران طبق معمول گذشته جاده‌های خاکی به جای شاهراه اصلی مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی با بوق و کرنا سنگفرش شد. از اساتید اقتصادی و عوالم دهر گرفته تا ژورنالیست‌های درس خوانده در مکاتب آخوندی خود را به صحنه کشانده و هم صدا با رژیم بنیادگرای مذهبی، از مضرات اقدام امریکا برای مردم ایران سخن سردادند. شخصیت‌های ساخته و پرداخته روزنامه‌ها و رادیوهای مختلف چه در داخل و چه در خارج این‌بار علاوه بر مرهم گذاردن بر زخم‌ها و دمل‌های چرکیده و متعفن رژیم، هرکدام سیخ و سنه‌ای هم به پهلوی مقاومت مسلحانه فرو کردند. هم ایان که تا چندی پیش سرمست از گزارش وزارت خارجه امریکا علیه مجاهدین و مقاومت، متناسب با محل و شرایط، رقصهای ایرانی و خارجی ارائه می‌دادند، این بار از فشار اقتصادی فزاینده بر مردم آه و فغان کرده و عمل امریکا را تقبیح نمودند. فلان ژورنالیست مقیم لندن که داعیه مخالفت با رژیم را دارد در بیانات و کلماتی که از مکاتب حوزه‌های علمیه به عاریت گرفته شده، مقاومت مسلحانه مردم و شورای ملی مقاومت را به این متهم کرد که از فشار بیشتر اقتصادی بر مردم خوشحال است. فلان کارشناس اقتصادی در تحلیلی به اصطلاح تخصصی با دادن حکمی سیاسی - که در هر صورت رژیم پابرجاست - میزان تورم و چشم‌اندازهای فشار اقتصادی بر مردم را اندازه گرفت. کارشناس سیاسی دیگری این طور نتیجه گرفت که رژیم این‌بار از این حربه در جهت انداختن تمامی کمبودها بر گردن تحریم اقتصادی سود خواهد جست و این در نهایت به سود رژیم است. بسیاری هم نه از روی غرض‌ورزی که از روی ناآشنایی با سیاست و مخصوصاً مسائل خاص ایران و شناختن از رژیم حاکم، تردیدهایی ابراز داشتند. در همین راستا از ما نیز مکرراً به طرق گوناگون سوال شد که راجع به تحریم اقتصادی چه موضعی داریم.

در جواب تمامی سوالاتی از این قبیل ما چون گذشته همگان را به گشودن چشم در برابر حقایق در عالم واقعیت دعوت می‌کنیم. پیش از هر چیز، آنان که تا اندازه‌ای با سیاست و مسائل ایران آشنا هستند، می‌دانند که دول خارجی بنا بر مصالح روز خود در طول سالیان در روابط دیپلماتیک و سیاسی خود، بر اساس یگانه معیار برخورد دو طرف که همانا منافع است، با این رژیم رویرو شده‌اند. در این میان دولت امریکا بنا بر جایگاه این کشور به لحاظ

گرامی باد خاطره فدایی کبیر، رفیق حمید اشرف

مطلب زیر در تیرماه ۱۳۵۸ از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت حمید اشرف انتشار یافت

«یاد رهبر شهیدی را گرامی می‌داریم که در زندگی انقلابی، نمونه‌ی بارزی از یک انسان طراز نوین بود. او رهبر برجسته‌ای بود که در سخت‌ترین شرایط مبارزاتی، با قاطعیت انقلابی و شکیبایی کمونیستی سازمان را رهبری می‌کرد و همواره شخصیتش الگوی هم‌زمان و تمامی انقلابیون راستین است.»

رفیق حمید اشرف در روز دهم دی‌ماه سال ۱۳۲۵ در تهران به دنیا آمد. در آن زمان پدرش کارمند راه‌آهن بود. ۷ سال داشت که پدرش به تبریز منتقل شد و او ۶ سال مدرسه را در تبریز گذراند. در این سالها او دوستی نزدیک با فرزندان کارگران و کارمندان جزء داشت و بیشتر از همه با پسر سوزن‌بان ایستگاه و بچه‌های یتیم زن کارگری که همسایه‌شان بود می‌جوشید. و در همین رابطه‌ها پیوندی عاطفی با کارگران و زحمتکشان پیدا کرد، که با گذشت زمان عمقی بیشتر یافت.

در سال ۱۳۳۸ دوباره پدرش به تهران منتقل شد و حمید تحصیلات دبیرستانی‌اش را در تهران به پایان رساند. منتها سال دوم به علت «توهین به شخص اول مملکت!!» و شرکت در تظاهرات دانشگاه تهران او را از دبیرستان اخراج کردند. او سالهای آخر دبیرستان را به دارالفنون رفت و در سال ۱۳۴۲، هنگامی که گروه رفیق جزئی تشکیل شد، به عضویت گروه درآمد.

در سال ۱۳۴۴ در رشته‌ی ریاضی دیپلم گرفت و یک سال به تدریس در کلاسهای پیکار با بی‌سوادی پرداخت، تا ضمن کسب تجربیات اجتماعی، زندگی‌اش را مستقل کند. از سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه شد و در رشته‌ی مهندسی مکانیک دانشکده فنی به تحصیل پرداخت. او ضمن حفظ ارتباط مخفی خویش با گروه رفیق جزئی در فعالیتهای سیاسی - صنفی و برنامه‌های ورزشی دانشگاه (به خصوص کوهنوردی) فعالانه شرکت می‌کرد و از رهبران فعالیتهای انقلابی دانشگاه بود.

از سال ۱۳۴۵، به عضویت تیم کوه تحت مسئولیت رفیق شهید سعید کلانتری درآمد و پس از ضربات سال ۱۳۴۷ که رهبری و اکثر اعضای گروه دستگیر شدند، از آبان ۴۷ در مرکزیت گروه قرار گرفت و نقش عمده را در بازسازی گروه بر دوش کشید. از این تاریخ به بعد تا لحظه شهادت رفیق حمید، همواره مسئولیت سنگین عضویت در مرکزیت و سپس پس از ضربات سال پنجاه مسئولیت رهبری سازمان را بر دوش کشیده است.

در زمستان سال ۱۳۴۹، دشمن موفق می‌شود، تنی چند از هم‌زمان فدایی را به اسارت خویش درآورد. در این رابطه طبق تصمیم مرکزیت و برای حفظ کادرها، به حمید توصیه می‌شود که زندگی مخفی خویش را آغاز کند.

پس از بازگشت رفقا صفاری و صفائی فراهانی از فلسطین تیم کوه که کادرهای آن به همت و تلاش پیگیر و شبانه‌روزی رفقا احیا شده بود، تحت فرماندهی علی‌اکبر صفائی فراهانی تشکیل می‌شود و در مناطق جنگلی شمال به شناسایی و آموزش می‌پردازد. در این دوران تا آغاز جنبش مسلحانه در سیاهکل رفیق حمید مسئولیت برقراری ارتباط بین تیمهای شهر و کوه را برعهده داشته است.

رفیق حمید طی سیزده سال زندگی مبارزاتی و انقلابی به یک سازمانگر ورزیده بدل شد و

عالی‌ترین خصائل و قابلیت‌های انقلابی را در خود پرورش داد. قابلیت‌هایی که در شرایط فشار و سرکوب سیستماتیک امپریالیسم و دیکتاتوری، به شرط ضروری هر مبارزه‌ی انقلابی بدل می‌گردد.

در برخوردها و درگیریهای متعددی که با مزدوران داشت، چنان تیزبینی و بینش تاکتیکی از خود بروز می‌داد که دشمنان هم به قدرت تصمیم‌گیری و قاطعیت انقلابی او اذعان داشتند و آشکارا آن را می‌ستودند. رفیق حمید در طول ۶ سال زندگی مخفی ۱۴ بار خط محاصره‌ی مزدوران را می‌شکند و توطئه‌ی آنان را ناکام می‌گذارد.

در کار سازماندهی آن چه که بیش از همه مورد توجه رفیق بود، مقابله با شتاب‌زدگی خرده‌بورژوازی و پیش‌برد امر سازماندهی کادرها بر مبنای واقعیت‌ها و محدودیتهای عینی و مادی بود. این خصلت رفیق حمید و پافشاری او در این زمینه در نزد همه رفقای فدایی شناخته شده و مشهور است.

او در جمع‌بندی سه ساله براساس چنین اعتقادی می‌نویسد: «اشتباه ما، شتاب‌زدگی ما بود، ما می‌خواستیم کارهای زیادی را در مدت کوتاهی انجام دهیم... مهم‌ترین ضعف ما بی‌تجربگی‌مان بود. بقیه ضعف‌ها از این ناشی می‌شد. ما می‌خواستیم زود به نتیجه برسیم و این ناشی از بی‌تجربگی بود. ما زمان کافی برای تحقق بخشیدن به طرح‌ها و آرزوهای سیاسی خود در نظر نمی‌گرفتیم. ما می‌خواستیم تمام چیزهایی که سالها در خفا آرزویش را می‌کشیدیم در عرض چند هفته و یا چند ماه به دست آوریم و طبیعی بود که این امکان نداشت.»

رفیق بر سر «آغاز مجدد فعالیت در نواحی روستایی شمال کشور» که توسط برخی از رفقا مطرح شده بود، مبارزه‌ی جدی کرد و براساس تجاربتش، ارزیابی رفقا را از توان سازمان و مسائل مبارزه در روستا ذهنی و غیر منطبق بر واقعیت می‌دانست.

در این باره می‌گفت: «من قویاً با آغاز فعالیت مجدد در روستا در آن شرایط مخالفت می‌کردم، بحث‌های زیادی بر سر این مسأله صورت گرفت. رفیق مسعود معتقد بود که ما برای اتمام این برنامه امکانات و رفقای کافی داریم. فقط کافیست که حرکات خود را در این جهت سمت دهیم. من این نظریه را رد می‌کردم. معتقد بودم که ما نه تنها امکانات سازمانی‌مان برای این عملیات کافی نیست، بلکه افراد آماده برای شرکت در چنین برنامه‌ای نیز به طوری که بتوانیم در عرض چند ماه یک واحد ورزیده‌ای ایجاد نماییم، وجود ندارد... طرحی که بود و نبود سازمان چریکی را مشخص کند و نوعی طرح سرنوشت محسوب شود، مردود است.»

رفیق در تایید نظریاتش به تجربه‌ی سازماندهی دسته جنگل تکیه می‌کرد که ایجاد چنین دسته‌ای، نیرو و امکانات زیادی می‌خواهد که نداریم. مضافاً این که جو پلیسی و هشیاری دشمن شدیدتر شده است.

او این طرح را باعث مختل شدن کل برنامه و به هدر دادن انرژی می‌دانست و آن را یک «ریسک بزرگ» می‌نامید و به گفته‌ی خودش و همان طور که دیدیم: «اجرای این طرح سازمان را به کلی متلاشی کرد و نه تنها این طرح به نتیجه نرسید بلکه اقدام روی آن غیر مستقیم سبب شد که واحدهای شهری هنگام بروز آسیب نتوانند از حمایت کانی برخوردار باشند و در نتیجه وسعت آسیبها به نهایت شدت خود رسید.»

پس از ضربات تیر و مراد ۱۳۵۰ تنها ۶ رفیق از سازمان باقی مانده بود که با کوشش مجدد و

خستگی‌ناپذیر و با بهره‌گیری از تجربیات گذشته در امر سازماندهی به احیاء تشکیلات و نوسازی آن کمر بستند. نقش رفیق حمید در این دوران نیز هم چنان برجسته و نمایان است. در باره‌ی این دوره که ویژگی آن در هم ریختگی تشکیلات بود رفیق می‌نویسد: «در مرحله‌ی به هم ریختگی کارهای سازمان به علت کمبود یک سیستم تشکیلاتی مستحکم، بسیاری اصول مورد قبول قابل اجرا نیستند» رفیق اضافه می‌کند: «ما برای سازماندهی می‌بایست وقت بسیار صرف می‌کردیم و بهترین رفقا را به صف اول احضار کرده و بقیه را در پشت جبهه سازمان می‌دادیم و حداقل یک ماه را بدین کار اختصاص می‌دادیم، ما این کار را علیرغم آن که مطرح شد اجرا نکردیم و این بزرگترین اشتباه ما بود.» یا «تا وقتی که مسایل سازماندهی و استقرار یک واحد حل نشده، نباید اقدام به استقرار واحد دیگر کرد، این کار انرژی‌ها را تقسیم کرده و ما را در مقابل دشمن آسیب‌پذیر می‌سازد. اسلوب حل یک به یک مسایل چیزی است که باید آموخت و به کار بست.»

رفیق همواره براساس واقعیت‌ها و با درکی عینی کار انقلابی را سازمان می‌داد و پیش می‌برد. او در این باره می‌نویسد:

«طرح یک ایده و یک آرزو هر قدر هم که درست باشد، هر قدر هم که ضروری تشخیص داده شود، بدون ارتباط با امکانات عملی سازمان چیز بی‌حاصلی است. پس از طرح شدن یک ایده می‌بایست اسلوب مناسب و عملی برای اجرای آن را ارائه کرد و گرنه طرح ایده‌ها بدون ارائه‌ی اسلوب عملی، کار بی‌فایده‌ای است.» او با این که فداکاری و جانبازی را لازمی کار انقلابی می‌داند، در عین حال تأکید دارد که این به تنهایی کافی نیست. او داشتن شناخت، دورنگری و هوشیاری انقلابی را برای پیشرفت کار ضروری می‌داند.

رفیق در جمع‌بندی‌هایش ضمن انتقاد شدید از شتاب‌زدگیها و بی‌مبالاتی‌ها و اشتباهاتی که مرتکب شده بودیم به این حقیقت توجه دارد که: «هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات، نمی‌توانستیم رشد کنیم. تاریخ تمام انقلابات نشان می‌دهد که چگونه جنبشها افت و خیز بسیار داشته‌اند و تا چه حد مرتکب اشتباهات کوچک و بزرگ شده‌اند و آسیبهای بزرگ دیده‌اند، ولی پس از بروز شکستها با بهره‌گیری از تجارب و نقد آن- مجدداً بر سر پا برخاسته‌اند.»

نقش رفیق حمید در حفظ نیروها در سخت‌ترین و شدیدترین پیگردهای پلیسی و فشارهای فاشیستی در ذهن رفقای فدایی بعد از شهادتش بارزتر و آشکارتر می‌گردد. مسایل و مشکلاتی که چه از نظر تدارکاتی و چه از نظر امنیتی و امور مربوط به سازماندهی نیروها، بازماندگان ضربات سال ۵۵ با آن درگیر بودند، جای خالی رفیق را در تمام لحظات در ذهن ما، زنده می‌داشت.

رفیق حمید در تشخیص موقعیتها و درک مختصات عینی پدیده‌ها و تصمیم‌گیری براساس این موقعیتها و این مختصات شمی نوع‌آسا داشت و او این توانایی‌ها را که در جریان پراتیک مبارزاتی کسب کرده بود در خدمت پیشبرد مبارزه مسلحانه به کار گرفت.

رفیق به آن‌ها که از اطاق‌های گرم و نرم یا از آن سوی مرزها، برای انقلاب ایران «برنامه عمل» دیکته می‌کردند، نشان می‌دهد که بدون داشتن فعالیت انقلابی و شرکت در مبارزه، بحث و اظهار در صفحه ۸

«می توان راه حلها را یافت»

منبع: مجله اخبار امریکا و گزارشهای جهان
تاریخ: ۱۵ مه ۱۹۹۵ -
مترجم: ناهید

اخیراً فیدل کاسترو، در مصاحبه‌ای با مورتیمر زوکرمین رئیس هیئت تحریریه مجله اخبار امریکا و گزارشهای جهان و هم چنین مدیر دبیره امریکای لاتین این مجله، لیندا رابینسون، در کاخ انقلاب در هاوانا شرکت کرد. خلاصه ترجمه شده این مصاحبه از نظراتان می‌گذرد:

س: چگونه می‌توان روابط میان کوبا و امریکا را بهبود بخشید؟

ج: ما حاضر نخواهیم شد که کشور خود را به امریکا واگذار کنیم و حاضر نخواهیم شد که از ایده‌های انقلابی خود صرف‌نظر کنیم. ولی خیلی چیزها است که بهتر است انجام شود تا با شرایط و واقعیت‌های امروزه، خود را وفق دهیم. برای مشکلات می‌توان راه حل پیدا کرد، ولی باید خیلی چیزها روشن شود. ما انقلاب خود را تسلیم نخواهیم کرد. وطن ما از علایق شخصی ما بالاتر است. وطن ما بسیار مهمتر از شغل ماست. هرچه مشکلات بیشتر باشد، ما سخت‌تر خواهیم کوشید. من می‌توانم شما را مطمئن کنم که اولین و بزرگترین علاقه من، وطن من است. این یک مسأله شخصی نیست. ما انسانهایی نیستیم که با آرزوی گرفتن قدرت در دستگاه‌های دولتی پیش برویم. این برای ما کمترین جاذبه را دارد. هر چند که ما سیاستمدار هستیم. ما کشور خود را به اشخاصی که در میامی هستند، نخواهیم سپرد و استقلال خود را از دست نخواهیم داد. زیرا ما از استقلال و حاکمیت و عقاید کشور خود دفاع می‌کنیم.

س: آیا این به معنی آنست که تحت شرایط خاصی، حاضر خواهید شد که نقش خود را در حکومت عوض کنید، اگر بدانید که این کار شما باعث می‌شود که امریکا تحریم اقتصادی را لغو کند و روابط به حالت عادی باز گردد؟

ج: من در نظر ندارم که با حکومت ایالات متحده هیچ گونه مشورتی راجع به مسئولیت‌های خودم در حکومت کشورم، داشته باشم. چرا که این چیزی است که فقط و فقط مربوط به حکومت ما، مجلس ملی کشور ما و مردم ما می‌شود. حکومت یک کشور قابل مشورت و معامله در مقابل هیچ چیز نیست و نگهداری دست‌آورد‌های یک انقلاب وابسته به هیچ قدرت خارجی نیست و این فقط وابسته به خود ماست. من می‌خواستم یادآوری کنم که از منافع شخص خودم دفاع نمی‌کنم.

س: آیا احتمال دوران انتقالی را می‌دهید و آیا احزاب دیگر می‌توانند در انتخابات آزاد شرکت و دخالت کنند؟

ج: نباید این طور استنباط شود که ما حاضریم قانون اساسی و سیستم تشکیلاتی سیاسی خود را عوض کنیم. همه ممالک باید آزادی مطلق در انتخاب سیستم‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود، که برای خودشان مناسب است داشته باشند.

س: راجع به چه مباحثی، شما می‌خواهید با امریکا وارد مذاکره برای پایان تحریم اقتصادی شوید؟

ج: ما همیشه حاضر به مذاکره با دولت امریکا راجع به روابط دو جانبه، تا جایی که احترام به حقوق مستقل هر دو کشور رعایت شود، بوده‌ایم. ما هرگز سعی نمی‌کنیم از دولت امریکا بخواهیم که سیستم اقتصادی و سیاسی خود را عوض کند. امکان همکاری در وجانه‌های خیلی از زمینه‌ها میسر است. برای مثال: توقیف مواد مخدر و مشکلات مهاجرتی.

همین طور با اطلاع هستید که ما اعمال تروریستی از قبیل بمب‌گذاری در شهر اکلاهما را محکوم می‌کنیم.
س: آیا توافقنامه دوم ماه مه در باره مهاجرت می‌تواند فرصتی برای عادی‌ساختن روابط با امریکا ایجاد کند؟

ج: این توافقنامه، یک مثال خوب برای نشان دادن این است که هر چقدر هم که مشکلات بفرنج و پیچیده باشد، از طریق گفتگو قابل حل است. تا چند ماه پیش، کسی راه حلی برای مشکل دهها هزار نفر مردمی که در شهر گولن تانامو جمع شده بودند، نداشت و همین طور هیچ‌کس راه حلی برای ممانعت و جلوگیری از عزیمت غیرقانونی افراد نداشت.

کوبا مانع ممنوعیت بچه‌ها، زنان، سالمندان و افراد بیمار نشدند و همین‌طور اجازه بازگشت ایشان به کوبا. در صورت خواست خودشان داده شد. در هر حال جایگاهی تقریباً ده‌هزار نفر از «گولن‌تانامو» به امریکا، یک اقدام تحریک‌کننده دیگر برای عزیمت غیر قانونی بود.

با وجود این، چیزی که دسترسی به آن غیرممکن به نظر می‌رسیده است، حالا حاصل شده: (۱) عزیمت هرکسی از گولن‌تانامو به امریکا، در صورت قبول امریکا.

(۲) برگشت به اصطلاح اخراج‌شدگان به کوبا (۳) اتخاذ تصمیماتی برای کوبایی‌هایی که می‌خواهند به طور غیرقانونی وارد امریکا شوند. همکاری کشورهای ما یک عامل قطعی برای حل این مسائل بوده است.

س: آیا کوبایی‌هایی که در امریکا زندگی می‌کنند، می‌توانند به کوبا بازگشته و در مسائل سیاسی و انتخابات شرکت کنند؟

ج: من فکر نمی‌کنم که حل این مسایل بین امریکا و کوبا، مشکل باشد. این همه بستگی به این دارد که آیا گفتگویی یا بحثی بین طرفین صورت می‌گیرد یا خیر؟ ما از نقشه‌های افراطیون و تروریست‌های کوبایی که در میامی هستند و سعی در تلقین خط‌مشی سیاسی خود دارند، با اطلاعیم. اگر این افراد می‌توانند مثل همان بمب‌گذاری که در شهر اکلاهما شد، در کوبا اجرا کنند، حتماً این کار را می‌کردند. این افراد همه گونه نقشه‌ای علیه ما و بخصوص من، طرح‌ریزی می‌کنند. با این همه، من زندگی طولانی داشته‌ام. بنابراین تجربه دیگری از این دست باقی نمانده است. ولی اینها هنوز هم نقشه‌های زیرکانه و توطئه‌آمیز برای کشتن من طرح‌ریزی می‌کنند. اینها محل خواب یا کار من و یا حتی جاهایی را که تردد می‌کنم، تحت نظر دارند. ما نخواسیم قیل و قالی راجع به این نقشه‌های تروریستی به راه اندازیم ولی اخبارش را به دولت امریکا داده‌ایم...

س: روابطتان با روسیه چگونه است؟

ج: ما مثل همسایه‌های قدیمی هستیم. رابطه ما عالی است. زیرا که ما اصولاً با هم رابطه‌ای نداریم. درست مثل دوست پسری که دیگر با او رابطه‌ای ندارید که این به مفهوم نداشتن مشکلات نیزهست. س: ایالات متحده امریکا می‌گوید تغییرات اقتصادی که کوبا به آن دست زده است قابل برگشت نیست.

ج: همه چیز در جهان قابل برگشت است. حتی سرمایه‌داری (کاپیتالیسم). با وجود این، تغییرات اقتصادی که ما در حال انجام آن هستیم، و یا در آینده به آن دست خواهیم زد، می‌تواند بسط یافته و تکامل یابد. ولی این تغییرات دارای یک زیربنای اصولی هستند. تعهد ما به آنهایی که در کشور ما سرمایه‌گذاری می‌کنند و از همین زیربنای اصولی پیروی می‌کنند، این است که آنها مصون و ایمن هستند.

(برکتیبه‌های غبار)

— اسماعیل وفا یغمایی

در ده‌گزارگمشدگان غبارها
بسر بارها نوشته بسا یادگارها

کز این گذر گذشته فراوان سوار و اسب
نر سب آمده است خبر نر سوارها

رفتند و گم شدند و از آنان فسانه‌ای
گردیده نقش در نفس روزگارها

بس کاروان گذشت و بجا ماند راه دور
پس جان چو دود در افق انتظارها

ای دل سراب بسایه نقریدت زدود
با سبز و سرخ و آبی نقش و نگارها

کار زمانه نیست مگر کف بیوز اسب
کز آن دمیده جنگل مسموم مارها

تیغ است و چرم و چهره درخیر بی عصب
زنجیر و بند و قامت خونین دارها

جز اشک گرم نیست دوان، آنچه بگذرد
بر چشم تشنه در خشک جویدارها

جلا این همه به راه دوانیر و درخزان
دایم بر جگر عطش نوبهارها

آن نوبهارها که در آن باز بشکند
با گل به گلستان وطن گل عزارها

شد نیک ما زمانه و فاء تا بر آورد
از رؤیای جوهر جانها عیارها

گرامی باد خاطره فدایی کبیر...

از صفحه ۷

نظر پیرامون آن بی‌اعتبار و فاقد ارزش انقلابی است. او در تمام مراحل زندگی انقلابی به ما می‌آموزد که: «کار انقلابی را با شکیبایی انقلابی و سرسختی کمونیستی به پیش باید برد».

او تا آخرین لحظه‌ی حیات با ایمان به کمونیسم، با ایمان به آرمان پرولتاریا در برابر دشمن جنگید و در این راه قهرمانانه جان باخت.

با تحلیل از مبارزات ارزنده‌ی رفیق کبیرمان و همه‌ی رفقای که در راه آرمان‌های انقلابی کارگران و زحمتکشان جان باختند، سوگند یاد می‌کنیم که در حفظ مواضع انقلابی سازمانی که با خون سرخ همه‌ی رفیقان اعتبار یافت، سازش‌ناپذیر و قاطع باشیم.

سوگند یاد می‌کنیم رفیقان، به همان‌گونه که شما لحظه‌ای ایمان خویش را به پیروزی خلق از دست ندادید، مومن و وفادار به آرمان‌های کارگران و زحمتکشان خواهیم ماند.

سوگند یاد می‌کنیم رفیقان، همان‌طور که شما پیمانتان را در مبارزه‌ی سرسختانه علیه دشمنان خلق نشکستید، پیمان ناشکن و سرسخت باقی بمانیم.

آیا جام زهر دیگری در راه است

خامنه‌ای حکم خمینی را تأیید می‌کند.

خامنه‌ای در رابطه با حکم خمینی در روز ۱۶ خرداد ۶۹ می‌گوید: حکم امام در مورد سلمان رشدی، بر آیات الهی مستحکم غیر قابل خدشه است. این مسأله راه حل ساده‌ای دارد و گمراهی نیست که باز نشود. سلمان رشدی یک مجرم است و حکم الهی باید در باره او به اجرا درآید. این مجرم را باید به دست مسلمانان انگلیسی بدهند تا حکم الهی در مورد او اجرا شود. سلمان رشدی موجودی است که برحسب آیات الهی به مجازات محکوم شده و این حکم باید در مورد او اجرا شود.

رفسنجانی حکم خمینی را تأیید می‌کند.

رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران خارجی در جواب یکی از خبرنگاران که در مورد این حکم سوال می‌کند می‌گوید: «اما حکم امام را هیچ کس نمی‌تواند پس بگیرد، این اشتباه است که غربیها فکر می‌کنند ما این حکم را پس می‌گیریم» (کیهان ۱۶ خرداد ۶۹).

ملاحظه می‌شود که هم خامنه‌ای و هم رفسنجانی

نه از «فتوا» که از «حکم» صحبت می‌کنند و این حرفها را به خاطر این زده‌اند که روزنامه ساندی‌تایمز از احتمال لغو این حکم صحبت کرده بود.

وزارت امور خارجه حکم خمینی را تأیید می‌کند. کیهان در روز ۱۶ خرداد ۶۹ می‌نویسد: «یک مقام آگاه در وزارت امور خارجه ظهر روز یکشنبه مطالب مندرج در نشریه ساندی‌تایمز مبنی بر احتمال لغو فتوای امام خمینی (ره) در مورد سلمان رشدی را رد کرد.

این مقام آگاه در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: مطالبی که در شماره روز یکشنبه نشریه ساندی‌تایمز به نقل از «سوسیال» مدیر کل اروپای غربی وزارت امور خارجه منتشر شده و در آن لغو فتوای امام خمینی محتمل دانسته شده است یک تحریف آشکار می‌باشد.

وی افزود: مدیر کل اروپای غربی وزارت خارجه در گفتگو با خبرنگار این نشریه صریحاً اظهار داشته است که حکم امام خمینی در مورد سلمان رشدی نمی‌تواند تغییر یابد و روابط بین جمهوری اسلامی ایران و انگلستان صرفاً در چارچوب مصوبه سال گذشته مجلس شورای اسلامی قابل ترمیم است.

خامنه‌ای: سلمان رشدی باید اعدام شود.

روز ۶ دی‌ماه ۱۳۶۹ خامنه‌ای یک بار دیگر صریحاً بر اجرای حکم قتل سلمان رشدی تأکید می‌کند. کلیشه نظر او که در روزنامه کیهان چاپ شده به در همین صفحه به چاپ می‌رسد.

ناطق نوری خواستار اجرای حکم اعدام می‌شود.

در خرداد سال ۷۲ ناطق نوری در پاسخ یک خبرنگار خارجی بر اجرای حکم قتل سلمان رشدی تأکید می‌کند. روزنامه اطلاعات در شماره ۲۳ خرداد سال ۷۲ متن سوال و جواب را این گونه چاپ می‌کند: «خبرنگار مجله تایمز چاپ ایرلند از رئیس مجلس شورای اسلامی پرسید، آیا راه حلی برای مشکل بسیار پیچیده سلمان رشدی متصور می‌دانید؟ وی در پاسخ گفت: از نظر ما، مشکلی وجود ندارد. به نظر ما، برای دنیا نیز مشکل نیست. آن‌ها خودشان بیپرده برای خود مشکل ایجاد کرده‌اند. امام راحل ما حکمی را صادر کردند که همه فقهای

این روزها در رابطه با حکم خمینی برای قتل سلمان رشدی و تلاش اتحادیه اروپا برای لغو آن، رژیم سخت و دست و پا افتاده و قرار است نماینده رژیم در پاریس با نمایندگان اتحادیه اروپا گفتگو کرده و موضع رژیم را در رابطه با شرایط اتحادیه اروپا اعلام کنند. آن چه مسلم است، شرایط بحرانی ایران و برخورد ایالات متحده با رژیم، جمهوری اسلامی را واداشته تا در رابطه با اروپا تاکتیکیهای جدیدی اتخاذ کند. در مورد سلمان رشدی عقبنشینی برای رژیم مهلک است. زیرا گفته‌ها و نوشته‌های سرکردگان جمهوری اسلامی، در جهت تأیید قتل سلمان رشدی، آن قدر آشکار و صریح است که هر عقبنشینی جدی به مثابه یک جام زهر برای آخوندها خواهد بود. مروری بر مواضع گذشته رژیم، نشان می‌دهد که آخوندها در چه وضع فلاکت‌باری گیر کرده‌اند.

حکم خمینی برای قتل سلمان رشدی

خمینی در ۲۵ بهمن سال ۶۷، یعنی چند ماه پس از آن که در جنگ ایران و عراق از مواضع قبلی‌اش عقبنشینی نموده بود، برای صدور بحرانهایی که دامن‌گیر رژیم شده بود حکم زیر را صادر کرد.

بسمه تعالی

اناالله و اناالیه راجعون

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است، هم چنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند.

از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند سریعاً آن‌ها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هرکس در این راه کشته شود شهید است. انشاءالله.

ضمناً اگر کسی دسترسی به نویسنده کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام آن را ندارد او را به مردم معرفی نماید تا به سزای اعمالش برسد. روح‌الله موسوی خمینی - ۶۷/۱۱/۲۵

همان طور که ملاحظه می‌شود، این نظر برخلاف آن چه که این جا و آن جا بعضی از سران رژیم و منجمله رفسنجانی مدعی هستند، نه یک نظر کارشناسی و یا یک فتوا، بلکه یک حکم است که از طرف ولی فقیه یعنی عالی‌ترین مرجع در نظام جمهوری اسلامی صادر شده است. خامنه‌ای که در آن موقع رئیس‌جمهور بود، در نماز جمعه روز ۲۸ بهمن ۶۷ حرفی زد که خمینی سریعاً علیه آن موضع گرفت. خامنه‌ای گفت: «البته سلمان رشدی ممکنه توبه کنه، کتاب بنویسه، غلط کردم بگه. از مسلمانهای دنیا، از امام امت عذرخواهی کنه و بگه اشتباه کردم. کتاب مال من نیست. که البته در این صورت ممکنه مردم گناه او را ببخشند.» عکس‌العمل خمینی نسبت به این موضع که راه را برای عقبنشینی باز می‌گذاشت بسیار شدید بود. خمینی در روز ۳۰ بهمن ۶۷ حکم دوم خود را به شرح زیر صادر کرد. «سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد بر هر مسلمان واجب است با جان و مال، تمامی هم خود را به کار گیرد تا او را به درک واصل گرداند.»

خمینی در خرداد سال ۶۸ مرد و یک سال بعد از آن رزمه‌هایی در مورد سازش با نده خامنه‌ای - رفسنجانی در مورد لغو حکم قتل سلمان رشدی پخش شد. اما خامنه‌ای، رفسنجانی و وزارت امور خارجه در یک روز این شایعه را تکذیب می‌کنند.

در پاسخ به سوال گروهی از مسلمانان

رهبر انقلاب: حکم امام در مورد سلمان رشدی تغییر ناپذیر است هیچکس نباید جرأت توهین به مقدسات اسلام را بیابد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، تغییر ناپذیری بودن حکم تاریخی حضرت امام رضوان‌الله‌عالی علیه در مورد نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی را بار دیگر مورد تأکید قرار دادند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این رابطه از روی دفتر مقام‌معمم رهبری اشتراک‌گذاری سرتیخ ریسر صادر شد.

بسمه تعالی

با توجه به اخبار مربوط به تبری جستن سلمان رشدی مرتد از امانت‌هایی که بیدایم‌عظیم‌انسان‌اسلام صلی‌الله‌علیه وآله و دیگر مقدسات اسلامی در کتاب موهن آیات‌شیطانی نده‌است دبتر مقام‌معمم رهبری در پاسخ به سوالاتی که از سوی مسلمانان در این زمینه به‌عمل‌آمده‌است، اعلام داشت که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: حکم تاریخی و تغییر ناپذیر حضرت امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه در مورد نویسنده کتاب کفرآمیز آیات شیطانی و تعمد مسلمانان در سراسر جهان به اجزای این حکم اسلامی، نخستین ثمرات خود را در صحنه رویارویی اسلام با کفر جهانی نشان می‌دهد و استکبار غرب که حمله به مقدسات یکه‌می‌نماید مسلمانان جهان را تهدید می‌کند برای تحقیر مسلمین و از بین بردن انگیزه‌های خیرش اسلامی در جهان قرار داده‌بود به‌صورت متشنعانه و کام‌به‌کام مجبور به عقبنشینی شده و انشاءالله با ادامه مقاومت مسلمانان جهان از این‌پس کسی جرأت اهانت به پیامبر معظم (ص) و مقدسات اسلامی نخواهد یافت.

حکم اسلام در مورد نویسنده کتاب آیات‌شیطانی همانگونه که حضرت امام رضوان‌الله‌تعالی فرمودند: «اگر توبه کند و زاهد زمان هم کرده ثابت‌است و چنین نشانی که با همیاری بعضی افراد به‌ظاهر مسلمان صورت می‌گیرد تغییر در این حکم الهی نخواهد داد.»

جهان اسلام به آن اعتقاد داشته و دارند و هر مسلمانی نیز در هر زمان، امکان اجرای آن را داشته باشد، می‌تواند آن را به اجرا بگذارد.»

کشادگی بین رژیم و کشورهای اروپایی تا اسامیل ادامه پیدا می‌کند. اما پس از یک سلسله فعالیت‌های بین‌المللی توسط گروه کثیری از روشنفکران و

نویسندگان جهان و پس از آن که مسأله تحریم رژیم توسط آمریکا مطرح شد، کشورهای اروپایی یک سلسله شرایط برای حل این مسأله به رژیم ارائه داده‌اند. در مقابل این پیشنهادات، سران رژیم به واکنش‌های سخیفی روی می‌آورند. یزدی رئیس قوه قضائیه رژیم در خرداد اسامیل اعلام کرد که «مجازات اعدام در مورد سلمان رشدی یک موضع‌گیری مستقل و شرعی است که خارج از صلاحیت نظام قضایی جمهوری اسلامی است.» روزنامه کیهان در شماره روز ۹ خرداد ۷۴ خود در رابطه با این گونه اظهارات اظهار نگرانی می‌کند.

رادیو اسرائیل در این رابطه می‌گوید: «روزنامه کیهان چاپ تهران در شماره اسامیل خود ابراز نگرانی کرد که ممکن است موضع حکومت اسلامی در قبال سلمان رشدی تغییر کرده و دولت تهران به کشورهای اروپایی اطمینان داده باشد که رشدی در امان است. کیهان در یادداشتی زیر عنوان «سکوت» در صفحه ۱۰

از میان نامه‌های رسیده

اوضاع وخامت‌بار اقتصادی در ایران هر روز عمق و گسترش بیشتری می‌یابد. ابعاد بحران چنان گسترده است که حتی تنورسینمهای رژیم نیز قادر نیستند چشم‌انداز روشنی برای آن ترسیم کنند. سیاست تعدیل اقتصادی دولت رفسنجانی که قرار بود از طریق توسل هرچه بیشتر به مکانیزمهای بازار تنظیم و تعیین قیمتها در بازار داخلی را بر اساس عرضه و تقاضا عملی سازد و با واگذاری کارخانه‌ها و صنایع دولتی به بخش خصوصی از بار بحران اقتصادی بکاهد، خیلی زود در برخورد با واقعیات بحران اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه با شکست مواجه شد. سقوط مداوم ارزش ریال، ابعاد وحشتناک استقراض دولت از بانک مرکزی و بانکهای خارجی که تنها بهره سالانه آن به رقمی نزدیک به دو میلیارد دلار بالغ می‌شود، ابعاد تورم را به بالای هفتاد درصد رسانده است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که برای اداره امور و جبران این ریخت و پاشها هم چنان به درآمدهای نفتی متکی هستند با توجه به تاریک بودن افق درآمد نفت و امکان سقوط بهای آن به دلیل وارد شدن مجدد عراق به جمع کشورهای صادر کننده نفت که هم زمان با تشدید محاصره اقتصادی به ویژه تحریم خرید نفت ایران از سوی امریکا صورت می‌گیرد، هیچ چشم‌اندازی برای خلاصی از بحران و بن‌بست اقتصادی حداقل در کوتاه‌مدت ندارند. بار این بحران هم چون گذشته باز هم بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی می‌کند در حالی که اقلیت ثروتمند جامعه هر روز از طریق زدوبند با دستگاه دولتی و از راه تشدید استثمار و سوء استفاده‌های میلیاردی حاصل دسترنج توده‌ها را به جیب می‌زنند. میلیونها کارگر و دهقان زحمتکش جامعه در سطح شهر و روستا هر روز با بیکاری، گرانی، فقر و فلاکت روبرو هستند. فشار غیر قابل توصیف اقتصادی به همراه تشدید سرکوب و خفقان به تدریج به افزایش اعتراضات مردمی منجر شده است. شورش مردم قزوین، اعتراضات و تظاهراتی که در مشهد، اصفهان، شیراز و اخیراً در جنوب تهران علیه بیکاری و گرانی صورت گرفت، در تداوم خود به حرکتی سیاسی علیه رژیم منجر خواهد شد. این همه نشان از آن دارد که پس از ۱۶ سال حاکمیت جنگ و جنایت، سرکوب، خفقان، فقر و فلاکت برای کارگران و زحمتکشان، اوضاع بحرانی جامعه به حدی رسیده است که دیگر اکثریت مردم قادر به تحمل آن نیستند. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که علیرغم سرکوب ددمنشانه رژیم در آینده نیز شاهد حرکتهای اعتراضی بیشتری در میان کارگران و زحمتکشان خواهیم بود. از طرفی انعکاس بحران در ساختار قدرت حاکمه به تشدید مداوم تضادهای درونی آن انجامیده، شکاف در میان حکومت‌کنندگان را بیشتر و بیشتر می‌کند. با وجود این هنوز نمی‌توان به این نتیجه رسید که رژیم ستمگر از همان ابتدا با قدرت سرنیزه و فریب بر مردم حکومت کرده، دیگر قادر نیست به شکل سابق حکومت کند. تاریخ مبارزات چندین ساله نشان می‌دهد مادامی که توده‌ها متشکل نشده و رهبری انقلابی بر مبارزانشان اعمال نشود، با وجود همدت بحرانهای موجود، باز هم رژیم حاکم چه با توسل به قهر و چه با توسل به فریب به حکومت خود ادامه می‌دهد. از آن گذشته هر مبارزه‌ای علیه طبقات ارتجاعی حتی اگر به قیامی نظیر قیام شکوه‌مند بهمن بیانجامد، بدون وحدت و تشکل کارگران و زحمتکشان، بدون اعمال رهبری انقلابی و بدون

آیا جام زهر دیگری در راه است

از صفحه ۱

«رشدی بدون تضمین» می‌نویسد: «اروپا نباید از پاسخی که مقامات ایران می‌خواهند در مورد سلمان رشدی بدهند راضی باشد. فقط به این خاطر که این پاسخ کافی نیست. اما اروپایی‌ها نبایستی فقط روی وضعیت نویسنده آیه‌های شیطان‌ی متمرکز شوند و نویسندگان دیگر ایرانی را که سرکوب می‌شوند به فراموشی سپارند. پنجمین ۲۲ ژوئن طی جلسه‌ای در پاریس، بین یک مسئول عالی‌رتبه وزارت خارجه فرانسه و معاون وزیر خارجه ایران محمود واعظی، در کنار مسائل سیاسی که به طور منظم بین اتحاد اروپا و ایران مورد بحث قرار می‌گیرند، مورد سلمان رشدی در دستور روز خواهد بود.» لوموند در پایان سرمقاله خود می‌نویسد: «آیا این دلیل برآن می‌شود که شکوه ایران که رژیم اسلامی به آن افتخار می‌کند، دمکراسیها را آن قدر کور کند که نتوانند نقض مستمر حقوق بشر که اخیراً توسط یک گزارش عفو بین الملل افشا شده را ببینند.»

چشم‌انداز

اکنون همه در انتظار مذاکرات پاریس هستند. آن چه تاکنون گذشته، مبین عقب‌نشینی‌هایی از مواضع گذشته رژیم البته در حرف و بدون تضمین، است. با این حال از آن جا که خامنه‌ای به شایه ولی فقیه و شخص اول رژیم در این رابطه هنوز اظهار نظر صریحی نکرده، هر قول و قراری که دیگر مسئولین بدهند، قابل اتکاء نخواهد بود و اگر اتحاد اروپا بدین قول و قرارها و حتی امضاء سند کتبی تن دهد، به یک سازش نیم‌بند در رابطه با جان سلمان رشدی، مترجمین و ناشرین کتاب او تن داده است. اتحاد اروپا باید از رژیم بخواهد که ولی فقیه رژیم یعنی خامنه‌ای، که عالی‌ترین مقام رژیم جمهوری اسلامی است حکم خمینی را لغو کند. این تنها راهی است که می‌تواند مشکل اروپا را در چارچوب سیاست سازش و دیالوگ انتقادآمیز حل کند. هر چیز غیر از این، نشان می‌دهد که اروپائینما به یک سازش نیم‌بند که خطر را هم‌چنان برای جان رشدی نگمیدارد، تن داده‌اند.

اتحاد اروپا نباید فراموش کند که در رژیم ولایت فقیه، دولت از نظر «قانونی» در رده چندم قرار دارد. ولی فقیه، مجلس خبرگان و شورای نگهبان، مقام و ارگانهایی است که قبل از قوه مجریه و مقننه، قدرت «قانونی» دارند. اما در رابطه با رژیم عقب‌نشینی رژیم نشان از بحران و فلاکتی است که رژیم را فرا گرفته است. همین میزان از عقب‌نشینی، هم‌چنین نشان می‌دهد که آخوندها برای حفظ قدرت خود به هیچ پرنسیپی اعتقاد نداشته و ندارند.

کنفرانس پکن

روزنامه هرالدرتریون در شماره ۱۳ خرداد ۷۴ به نقل از رویتر در باره کنفرانس زنان در پکن در ماه سپتامبر گزارش داده است: پاتریسیالیونکان، رئیس کمیسیون سازمان ملل، در یک کنفرانس مطبوعاتی در دهلی نو، پیرامون مقام زنان گفت که بعضی از کشورهای شرکت کننده با بخشهایی از پیش‌نویس دستور کار کنفرانس مخالفند و اختلاف عمده آنان بر سر مسائل مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. او گفت: در ابتدا در زمینه‌های مذهبی و فرهنگی، با بنیادگرایان مذهبی در مقابل غیر مذهبیون مشکل داریم. در زمینه سیاسی، اختلاف بین کشورهای استبدادی و چند حزبی است.

نوشت اگر غیر از این است چرا وزارت خارجه سکوت اختیار کرده و ادعای رسانه‌های غربی را تکذیب نمی‌کند. کیهان تهران افزود مایه تاسف و شگفتی است اگر حکومت اسلامی در برابر درخواست اخیر اتحادیه اروپا موضعی نشان داده که ممکن است به عقب‌نشینی از سیاستهای شناخته شده حکومت اسلامی تعبیر شده باشد.»

ولایتی در مصاحبه با تلویزیون سی‌ان‌ان در تاریخ ۸ خرداد ۷۴ می‌گوید: «فتوا یک چیز است و موضع یک دولت در مورد گسیل کماندو برای کشتن فردی، چیز دیگر. رئیس‌جمهور ما لائیل دوبار گفته است که دولت ما نمی‌خواهد کماندو به کشورهای اروپایی و یا هر جای دیگر اعزام دارد تا کسی را بکشد و همین موضع توسط رئیس مجلس ما نیز اتخاذ شده است. لذا، این موضع مشهود دولت ماست.» اما ناطق نوری در پاسخ خبرنگار روزنامه نیویورکتایمز موضع ضد انسانی و وحشیانه خود را این گونه فاش می‌کند که «رشدی اگر خودش بمیرد مسأله شما و مسأله ما حل خواهد شد.» (خبرگزاری فرانسه ۱۱/۳/۷۴)

با این اظهارات معلوم می‌شود که رژیم می‌خواهد به میزانی عقب‌نشینی کند تا روابط با اروپا بدتر نشود و مسأله لغو حکم قتل سلمان رشدی را هم صریحاً نپذیرد. این رژیم قبلاً ناشران کتاب رشدی را به بدترین شکل تهدید کرده است.

هیتوشی ایگاشی مترجم ژاپنی کتاب آیه‌های شیطان در ۲۲ تیر ۱۳۷۰ توسط مزدوران رژیم تورور می‌شود. این رژیم به مترجم ایتالیایی کتاب سلمان رشدی نیز سوء قصد تروریستی می‌کند. روز ۱۹ مهر ۱۳۷۲ تروریستهای وابسته به رژیم ویلیام‌نیگارد، ناشر نروژی کتاب رشدی را به گلوله می‌بندد و او به طور کاملاً تصادفی از این عمل تروریستی جان سالم به در می‌برد.

توجه عقب‌نشینی

محمد جواد لاریجانی که مواضع ارتجاعی او کاملاً روشن است، به ادا و اطوارهای بچه‌گانه متوسل می‌شود و می‌گوید: «او کتابهای بسیار زیبایی خلق کرده است، من واقعاً روش نگارش او را دوست دارم، کتابهای قبلی وی به طور گسترده در ایران خوانده می‌شد. نایفه‌هایی این چنینی باید سعی کنند که از قدرت خود در راه سازنده تری استفاده کنند.» (خبرگزاری رویتر ۱۵ خرداد ۷۴) او در مصاحبه با تلویزیون بی‌بی‌سی می‌گوید که «رشدی دیگر باید احساس امنیت کند.» (راديو اسرائیل ۱۶/۳/۷۴) و چند روز بعد در روزنامه کیهان ۲۰ خرداد ۷۴ این سخنان خود را تکذیب می‌کند. روزنامه لوموند در سرمقاله روز ۲۱ خرداد ۷۴ خود تحت عنوان

چشم‌انداز و اهداف روشن به پیروزی در جهت منافع مردم نخواهد رسید. اکنون با توجه به اوضاع داخلی و فشارهای بین‌المللی که چشم‌انداز تیره و تاریکی را در مقابل رژیم ایجاد کرده، بخشهایی از اپوزیسیون بعد از ۱۶ سال حاکمیت جمل و جنایت آخوندها تازه از اتحاد آن هم در شکل شعار و روی کاغذ مانند دم می‌زنند. در این جا وظیفه کمونیستها و سایر انقلابیون این است که برای آگاه کردن طبقه کارگر بکوشند و خواهان سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی و ایجاد حکومتی شورایی یعنی حکومت اکثریت مردم، که چشم‌انداز آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه را باز خواهد گشود، شوند.

سوئد - زاگرس
خرداد ۷۴

NABARD _ E _ KHALGH

Organ of the

organization of Iranian People's
Fedaian Guerillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Published by :

NABARD Cultural Association

No : 121 22 June.1995

PRICE : 6 F Fr 1/7 DM 1 \$ US

Nabard	Nabard
B.P 20	Post fach 102001
91350 Grigny	50460 KOLN
cedex	GERMANY
FRANCE	
***	***
Hoviat	Nabard
Post Restante	B.P 121
Mimers Gade 118	1061 Wien
2200 N_ DANMARK	AUSTRIA
***	***
Hoveyat	Nabard
P.O Box 1722	Casella Postale 307
Chantilly , VA	65100 Pescara
22022 U. S. A	ITALIA

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ : انجمن فرهنگی نبرد

حساب بانکی نبرد خلق

SOCIETE GENERAL	نام بانک:
BOULOGNE_S_SEIN	آدرس بانک:
FRANCE	
03760	کد گیشه:
00050097851	شماره حساب:
Mme.Tallat R.T	نام صاحب حساب:

**با کمک های مالی خود
سازمان را در انجام وظایف
انقلابی یاری رسانید**

۲۲ ژوئن ۱۹۶۶ - تاسیس جبهه آزادیبخش چاد
۲۵ ژوئن ۱۹۷۵ - استقلال موزامبیک و پیروزی
جنبش رهایی بخش مردم موزامبیک علیه استعمار
پرتغال
۴ ژوئن ۱۹۷۶ - تشکیل جمهوری سوسیالیستی ویتنام
۱۷ ژوئن ۱۹۷۹ - پیروزی مردم نیکاراگوئه و فرار
سوموزا دیکتاتور نیکاراگوئه

شغل جدید

خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۲۲ خرداد / خیر
تکان دهنده‌ای به شرح زیر مخابره کرد. «فقیرترین
کردهای عراقی استخوانهای سربازان کشته شده
ایرانی در طی جنگ ایران و عراق را جستجو
می‌کنند ، کاری که درآمد خوبی دارد ولی بسیار
خطرناک است زیرا می‌بایست زمینهای مرزی ایران
و عراق را که هنوز مین‌گذاری شده‌اند حضر کرد.
کریم محمدعبدالله که با وی در حاج عمران
روستایی در نزدیکی مرز ایران در منتھالیه شمالی
کردستان عراق دیدار کردیم گفت : «برای هر
پلاک هویت نظامی پیدا شده من دو کیسه ۸۰
کیلویی آرد می‌گیرم. اگر استخوان سربازان را پیدا
کنم همچنین دو کیسه ۸۰ کیلویی برنج می‌گیرم».

آخرین وضعیت نفتی رژیم

هفته‌نامه المجله چاپ لندن در شماره ۳۰
اردیبهشت امسال گزارشی در مورد اثر تحریم رژیم
ایران توسط آمریکا چاپ کرده است. این هفته‌نامه
که به عربستان سعودی نزدیک است، آخرین
خریداران نفت ایران را (قبل از شروع تحریم) به
شرح زیر معرفی کرده است:
شرکت‌های آمریکایی ۶۱۳ هزار بشکه در روز
شرکت‌های ژاپنی ۴۸۳ هزار بشکه در روز
شرکت‌های کره جنوبی ۱۲۵ هزار بشکه در روز
بازار آزاد ۵۹۴ هزار بشکه در روز
شرکت‌های اروپایی ۴۹۲ هزار بشکه در روز
طرف‌های دیگر ۵۵ هزار بشکه در روز



برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲
۱۳۳۱/۴/۲۶ - استعفای دکتر محمدمصطفی به منظور
اعتراض به عدم موافقت شاه با شرایط پیشنهادی او
۱۳۳۱/۴/۲۷ - اعلام نخست وزیری قوام بجای دکتر
محمد مصدق توسط محمدرضا شاه
۱۳۳۱/۴/۳۰ - قیام یکپارچه مردم ایران برای
بازگشت دکتر محمدمصدق به پست نخست‌وزیری.
در این قیام مردمی تعداد کثیری از مردم ایران
برای تحقق استقلال و آزادی شهادت رسیدند.
۱۳۳۲/۴/۶ - اعتصاب ده روزه ۲۰ هزارتن از
کارگران کوره‌پزخانه‌های تهران
۱۳۳۶/۴/۱۵ - دستگیری خسرو روزبه
۱۳۳۶/۴/۲۰ - درگذشت جمفریپیشوری از رهبران
فرقه دمکرات آذربایجان ایران
۱۳۵۴/۴/۸ - اعتصاب خونین کارگران نساجی قائم
شهر
۱۳۵۸/۴/۱۲ - راهپیمایی مردم تهران در اعتراض به
دستگیری مجاهد قهرمان محمدرضا سعادت
۱۳۵۸/۴/۳۱ - کوچ مردم مریوان در اعتراض به
سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم خمینی
۱۳۵۹/۴/۲۱ - کودتای نوژه کشف شد. بدنبال آن
تعداد زیادی از افسران و امیران ارتش و منجمله
سپهبد محقق و سپهبد مهدیون دستگیر شد.
۱۳۶۰/۴/۱ - عزل بنی صدر از ریاست جمهوری
رژیم جمهوری اسلامی
۱۳۶۰/۴/۷ - انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و
به هلاکت رسیدن حدود ۱۰۰ نفر از سران رژیم
خمینی و منجمله آخوند بهشتی
۱۳۶۰/۴/۸ - شهادت محمد کاظم افجه‌ای، اولین
شهید مجاهد خلق در عملیات انتحاری برای مجازات
یکی از مزدوران رژیم در زندان اوین بنام کچویی
۱۳۶۰/۴/۲۵ - شهادت انقلابی برجسته یحیی
رحیمی (فرزند دلور مردم کرمانشاه و از سبلمهای
مقاومت در زندانهای رژیم محمدرضا شاه و از
رهروان پاک باخته جنبش انقلابی مسلحانه) توسط
رژیم خمینی
۱۳۶۰/۴/۳۰ - تاسیس شورای ملی مقاومت ایران،
الترناتیو دمکراتیک انقلابی رژیم خمینی به ابتکار
سازمان مجاهدین خلق ایران
۱۳۶۱/۴/۱۱ - مجازات آخوند جنایتکار صدوقی،
توسط عملیات انتحاری بوسیله مجاهد شهید

محمدرضا ابراهیم‌زاده
۱۳۶۱/۴/۲۳ - شهادت انقلابی برجسته بیژن
چمبرازی از زندانیان سیاسی مقاوم در دوران
دیکتاتوری محمدرضا شاه و از مسئولین سازمان
کومه توسط رژیم خمینی
۱۳۶۲/۴/۲۴ - افتتاح مجلس خبرگان رژیم برای
تعیین جانشین خمینی
تیر۶۲ - اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای
فدایی خلق ایران
۱۳۶۷/۴/۲۶ - پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط خمینی
و شکست سیاست جنگ طلبانه رژیم
۱۳۷۳/۴/۳۰ - انجام کنسرت بزرگ همبستگی در
پاریس و انجام تظاهرات گسترده ایرانیان در ۱۶
شهر جهان
روزهای تاریخی
۲۶ ژوئن - روز همبستگی جهانی با مبارزه مردم
افریقای جنوبی علیه آپارتاید
۳ ژوئن - روز جهانی تعاون
خارجی
۶ ژوئن ۱۲۶۵ - آلیگری دانت، بزرگترین شاعر
ایتالیا در دوران رنسانس در شهر تاریخی فلورانس
متولد شد.
۴ ژوئن ۱۷۷۶ - اعلام استقلال ایالات متحده آمریکا
۲ژوئن ۱۹۰۴ - آنتوان چخوف نویسنده بزرگ روس
در سن چهل و چهار سالگی در آلمان درگذشت.
۱۴ژوئن ۱۷۸۹ - فتح زندان باستیل بوسیله مردم
پاریس و آغاز انقلاب کبیر فرانسه
۱۱ژوئن ۱۹۲۱ - انقلاب مغولستان
۷ ژوئن ۱۹۲۶ - درگذشت ادوارد براون، ایران
شناس، ادیب و محقق انگلیسی
۱۸ ژوئن ۱۹۳۶ - آغاز جنگهای داخلی اسپانیا
۱۰ ژوئن ۱۹۴۰ - دولت فاشیست موسولینی در
ایتالیا، به نفع آلمان هیتلری وارد جنگ جهانی دوم
شد.
۲۲ژوئن ۱۹۴۱ - تجاوز ارتش هیتلری به اتحاد شوروی
۲۲ژوئن ۱۹۴۴ - آزادی لهستان از سلطه فاشیسم
هیتلری
۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ - تجاوز نظامی آمریکا به جمهوری
دموکراتیک خلق کره
۵ ژوئن ۱۹۶۲ - استقلال الجزایر از یوغ استعمار
فرانسه

همبستگی بین المللی با مقاومت ایران

طی یک ماه گذشته، بیش از ۱۷۰۰ تن از نمایندگان مردم اروپا، امریکا و کانادا، ضمن محکوم نمودن رژیم آخوندی، حمایت خود را از مقاومت ایران اعلام کردند.

۳۱۷ نفر از نمایندگان مجلس ایتالیا از تمامی احزاب پارلمانی، شامل حزب دمکراتیک چپ، حزب لیگ شمال، حزب احیاء کمونیستی و حزب مردمی ایتالیا،

۱۸۰ نفر از نمایندگان پارلمان سوئد از تمامی احزاب پارلمانی، شامل حزب سوسیال دمکرات، حزب مدارات، حزب لیبرال مردمی، حزب سنتر، حزب دمکرات مسیحی

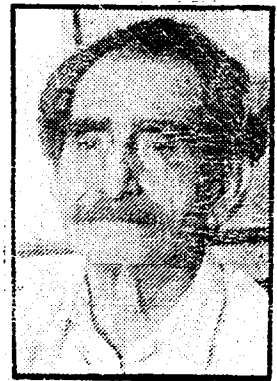
۲۰۲ نفر از نمایندگان کنگره امریکا از دو حزب دمکرات و جمهوریخواه

۴۲۱ نفر از نمایندگان مجلس عوام و اعیان انگلیس از تمامی احزاب پارلمانی شامل حزب کارگر،

حزب لیبرال - دمکرات، حزب محافظه کار، و نیز بیش از ۶۰۰ تن از نمایندگان پارلمانی کشورهای آلمان، فرانسه، هلند، کانادا، نروژ و... در بیانیه‌های جداگانه ضمن محکوم نمودن سیاستهای سرکوبگرانه و تروریستی رژیم ایران، حمایت خود را از مقاومت ایران و تحریم تجاری رژیم اعلام کردند. در واکنش به اقدام نمایندگان کنگره امریکا، ناطق نوری در جلسه روز ۲۱ خرداد مجلس ارتجاع گفت: «دولت کلینتون از چند ماه قبل موج وسیعی از دشمنی علیه جمهوری اسلامی ایران را دامن زد. این حرکت او، هیچ توجیهی ندارد و با توجه به عکس‌العمل ملت‌ها و دولت‌ها، شانس توفیق هم ندارد. در این حال ۲۰۰ تن از نمایندگان کنگره امریکا نامه‌ای را تهیه و در آن خط عناد دولت کلینتون را تکرار کرده‌اند که حکایت از نادانی آنها دارد.» (اطلاعات ۲۱/۳/۷۴)

دیدار مسعود رجوی با طارق عزیز

دوشنبه ۸ خرداد، آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران با آقای طارق عزیز، نایب‌رئیس شورای وزیران عراق در بغداد دیدار و گفتگو نمود. رادیو بی‌بی‌سی در برنامه روز ۱۰ خرداد ۷۴/ گفت: «خبرگزاری رسمی عراق در این دیدار که سه ساعت طول کشید، طارق عزیز قتل دو تن از اعضای ارشد سازمان مجاهدین خلق را که در ماه میلادی گذشته در بغداد روی داد، به رهبر آن سازمان تسلیت گفت.»



* استاد اصغر بهاری، استاد کمانچه روز ۲۰ خرداد ۷۴ در سن ۹۰ سالگی در تهران درگذشت.

نامه ۲۱۴ نفر از سینماگران

* ۲۱۴ نفر از سینماگران ایران در نامه سرگشاده‌ای خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رژیم، خواستار لغو سانسور و برداشتن محدودیت‌های متعدد در رابطه با ساخت فیلم شدند. بهرام بیضایی، علی نصیریان، ابراهیم حاتمی‌کیا و نیکی کریمی از جمله امضا کنندگان این نامه هستند.

در برابر تندروی‌ها ایستند
خانه را روشن می‌کنند



وسی میرزا

شهادت فدایی قیام راه

رفقا: محمد کاظم غبرائی - بهمن راست خدیو - محمدعلی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - کلرخ - شهزاد مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمیدرضا هزارخانی - مارتیک قازاریان - نزهت‌السادات روحی آهنگران - محمودعظیمی بلوریان - بدالله زارع کاریزی - اسماعیل نریسیسا - محمدرضا (امیر) قصاب آزاد - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی - حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری - غلامرضا لایق مهربان - محمدرضا یثربی - فاطمه حسینی - محمدحسین حقنراز - طاهره خرم - عسگرحسینی ابرده - محمدسهدی فوقانی - غلامعلی خراطپور - علی اکبروزیری - مهدی (بهزاد) سیجا - حمید آریان - بهزاد امیری دوان - انفرالسادات حسینی - نادره احمدهاشمی - سیمین توکلی - علی خصوصی - کاظم سلاحی - احمد خرم آبادی - علی اکبرحقی بیان - عبدالله سعیدی بیدختی - حجت محسنی کیسر - غلامرضا جلالی - خسرو مانی - شفیع رضائی - علی اکبرحیدریان - سینا کارگر، طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و با در زندانهای دژخیمان سنگر شاه و خبثی پشهادت رسیدند.

برخی از رویدادهای تاریخی

۱۲۸۷/۴/۵ - به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی به دستور محمد علی شاه و آغاز استبداد صغیر
۱۲۸۷/۴/۳ - میرزا جهانگیرخان شیرازی (مدیر نشریه صوراسرافیل) و سخنور شجاع ملک‌المتکلمین در باغشاه تهران توسط مزدوران محمدعلی شاه به دار آویخته شدند.
۱۲۸۷/۴/۷ - قیام مردم تبریز در محله امیرخیز به رهبری سردار ملی ستارخان علیه استبداد محمد علی شاه قاجار
۱۲۹۹/۴/۳ تا ۱۲۹۹/۴/۳ - تشکیل نخستین کنگره حزب عدالت در بندرانزلی که در آن نام حزب به حزب کمونیست ایران تغییر یافت.
۱۲۹۹/۴/۳ - تشکیل حکومت ملی شیخ محمدخیابانی در تبریز
۱۳۰۳/۴/۱۲ - ترور شاعر آزاده میرزاده عشقی بدست مزدوران رضا شاه
۱۳۱۸/۴/۵ - شهادت شاعر و نویسنده مبارز و مردمی، فرخی یزدی توسط مزدوران رژیم رضا شاه
۱۳۲۴/۴/۱ - اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان برای اضافه دستمزد
۱۳۲۵/۴/۲۳ - اعتصاب کارگران نفت جنوب که در آن ۴۷ نفر از کارگران شهید و ۱۷۳ تن زخمی شدند.
۱۳۳۰/۴/۶ - تشکیل دادگاه بین‌المللی لاهه برای رسیدگی به مسأله ملی شدن صنعت نفت در ایران
۱۳۳۰/۴/۷ - میتینگ عظیم ضداستعماری مردم تهران در پشتیبانی از ملی شدن صنعت نفت
۱۳۳۰/۴/۲۳ - مسافرت هریمن دلال نفت و مشاور ویژه ترومن رئیس جمهوری وقت امریکا به ایران و برگزاری تظاهرات تحریک‌آمیز حزب توده علیه حکومت ملی دکتر مصدق
در صفحه ۱۱

کار

✽